

بولتن شماره دو

خیمسال دوم ۱۴۰۴-۱۴۰۵



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
دفتر اسناد و کتابخانه ملی



رویداد نهادینه خوالی



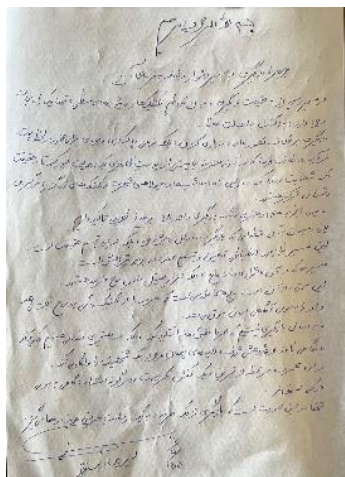
دفتر اسناد و کتابخانه ملی
دوره ۲۸۰۰

فهرست

۱	سخنان مدیر محترم گروه رشته بازیگری
۳	رویداد رقابتی نمایشنامه‌خوانی آثار جاودانه استاد بهرام بیضایی
۶	پوستره‌های رویداد رقابتی نمایشنامه‌خوانی
۸	نتایج آرا هیئت محترم داوران
۹	مصاحبه با داوران رویداد
۲۰	مصاحبه با استاد بزرگوار جناب آقای رضا قریشی
۲۱	مصاحبه با کارگردان‌های برتر رویداد نمایشنامه‌خوانی
۲۵	اختتامیه رویداد نمایشنامه‌خوانی
۲۷	نظر دانشجویان شرکت‌کننده در رویداد نمایشنامه‌خوانی
۳۰	پیوندِ درام و شعر؛ واکاویِ تبارِ شاعرانه و تأثیرات حماسی در آثار بهرام بیضایی
۳۲	مصاحبه با دانشجویان
۳۷	معرفی فیلم
۳۹	معرفی تئاتر
۴۰	داستانک
۴۱	هنردرمانی و تروما؛ وقتی بدن خاطره دارد
۴۴	وداع با عالیجناب
۴۶	فراخوان
۴۷	اطلاعیه

بسم الله الرحمن الرحيم

جوهر بازیگری ومسیر دشوار و طاقت فرسای آن



در مسیر رسیدن به حقیقت بازیگری، میان تلاطمِ تکنیک ها و نمایش های سطحی، تنها یک راه نجات وجود دارد: بازگشت به اصالت معنا.

بازیگری برخلاف تصور تمام نه بازی کردن، بلکه نوعی پاکسازی وجودی برای حضور در لحظه است.

فرایندی طاقت فرسا که در آن هنرمند بایستی از پوستِ ظاهری یک هویت عبور کند تا به حقیقت یک شخصیت ورود کند. در این راه حاشیه ها و هیولاهای شهرت و تکنیکهای زودگذر، بزرگترین دشمنان تمرکز هستند.

ما یعنی انجمن علمی و هنری رشته ی بازیگری واحد ۴۸ بر هدف طلایی تاکید داریم.

یعنی رسیدن به آن نقطه ای که بازیگر به دنبال نمایش خود، بلکه در پی تجسم حقیقت است.

این مسیر نیازمند انضباطی آهنین و تسلیم محض در برابر پژوهش است.

مسیری که در آن دشواریها نه مانع بلکه ابزار صیقل دادن روح هنرمند هستند.

این سختی از آن دست رنج های مقدسی است که هنرمند را از تکنیک زندگی بی روح نجات می دهد و او را به سوی آگاهی درون سوق می دهد.

ما به دنبال بازیگری نیستیم که صرفاً نقش ها را تقلید کنیم، بلکه در جستجوی انسانی هستیم که می تواند با نگاهی نافذ و پژوهشی ژرف، لایه های پنهان وجود یک شخصیت را واکاوی کند.

در این قلمرو، هر لحظه از تمرین به یک کنش نگریست و هرگونه اشتباه، گاهی به سوی درکی عمیق تر.

تنها در این صورت است که بازیگری از یک حرفه، به یک رسالت معرفتی هویت و معنا می گیرد.

۱۴۰۵/۵/۲۷



استاد سیروس اسنقی

سیروس اسنقی

به نام خالق هنر و هنرمند

جشنواره نمایشنامه‌خوانی آثار جاودانه استاد بهرام بیضایی

برگزاری این جشنواره فراتر از یک رویداد دانشجویی تلاشی بود برای پیوند زدن دانش به فعل و عمل.

هدف ما از این جشنواره

گذر از مطالعه‌ای گذرا به سمت پژوهشی عمیق بود جایی که دانشجویان نه تنها با متن بلکه با ساختار فکری و جهان‌بینی خالق اثر زیست روحی داشته باشند.

موفقیت این دوره در این بود که دانشجویان را به چالش کشید تا در قالب تیم‌ورک از انزوای شخصی خارج شده و نتایج و مختصات کار گروهی را تجربه کنند.

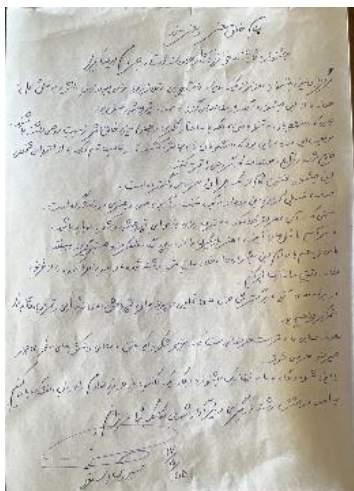
این جشنواره نخستین گام از یک جریان حرفه‌ای و گسترده است، هدف تبدیل کردن این رویداد به یک سنت و آیین علمی و هنری در دانشگاه است.

سنتی که در آن هر اثر کلاسیک بستری برای بازخوانی بازخوانی پژوهشی و کشف دوباره باشد. ما برانیم تا نسل‌های آینده هنر بازیگری را از دریچه نگاه متفکرانه و جستجوگرانه ببینند.

ما می‌خواهیم با تداوم این جشنواره‌ها خلاء میان متن نوشته‌شده و بدن اجراکننده را از طریق مطالعه دقیق ساختارها پر کنیم در برنامه‌های آتی برگسترش حوزه‌های تخیلی و پیوند میان پژوهش‌های نوشتاری و تمرین‌های بدنی متمرکز خواهیم بود.

هدف نهایی ما تربیت هنرمندانی است که در برابر شکوه یک متن به جای واکنش‌های سطحی دچار سیرت معرفتی شوند. با این شیوه و نگاه، ما نه تنها یک جشنواره بلکه یک مکتب بازخوانی مداوم در دل دانشگاه بنا می‌کنیم.

به امید درخشش رشته بازیگری و پرآوازه شدن یکایک شما عزیزانم



۱۴۰۵/۵/۲۷

استاد سیروس اسنقی

رویداد رقابتی نمایشنامه‌خوانی آثار جاودانه استاد بهرام بیضایی



در کانون تخصصی و انجمن علمی و هنری رشته بازیگری واحد ۴۸ با افتخار برگزار شد این جنبش ارزشمند دانشجویی با رهنمودهای اساتید، احیائی برای واژه گان و دیالوگهای جادویی، اسطوره ها، فلسفه ی تاریخی ایران زمین و اندیشه های غنی آن بزرگمرد فرهنگ و هنر بود.

دانشجویان رشته بازیگری با گزینش اثری از استاد بهرام بیضایی و تشکیل تیمی برای خوانش آن اثر، در این جریان هنری مشارکت کردند.

دانشجویان پرتلاش در این جنبش، تربیت ابزار بازیگری، قواعد خوانشگری، چگونگی تحلیل متون و شیوه های بازیگردانی را به خوبی تجربه کردند.

این رویداد با حمایت بی دریغ ریاست ارجمند دانشگاه فرهنگ و هنر واحد ۴۸ جناب آقای دکتر حسینی بزرگوار و مشاور ایشان استاد گرانقدر جناب آقای رضا قریشی برگزار گردید.

این رویداد با همراهی اساتید گرانقدر رشته بازیگری به عنوان استاد راهنما و با هدایت و مشاوره هنری مدیر گروه محترم استاد سیروس اسنقی برگزار شد.

در این رویداد مدیریت محترم گروه گریم استاد عسگری بزرگوار و مدیریت محترم گروه عکاسی استاد فاتح پور گرانقدر همیار ما بودند.

بازبینی این رویداد روز سه شنبه ۲۳ تیرماه برگزار گردید و گروه های دانشجویی زیر با داوری اساتید گرانقدر واحد ۴۸ استاد رضا فیاضی، استاد مجید قناد، استاد بانو شمسی صادقی، استاد علی یعقوب زاده، استاد سامان خلیلیان، استاد رضا عاشوری فر، استاد مجید قربانی، استاد حمیدرضا کاظمی پور و استاد کامران آزاد به رقابت پرداختند.

مرگ یزدگرد به کارگردانی ارغوان عزیزی

چهار صندوق به کارگردانی زهرا تات

تراژدی دارنامه به کارگردانی پویا مومنه

ساحل نجات به کارگردانی مانی نوری

بنداربیدخش به کارگردانی زهره صادقیان

مرگ یزدگرد به کارگردانی عرفانه خانی

سیاوش خوانی به کارگردانی گندم بیاتی

ضیافت به کارگردانی رهام امین

آرش به کارگردانی حسین حیدری

آژدهاک به کارگردانی بهاره کرمی

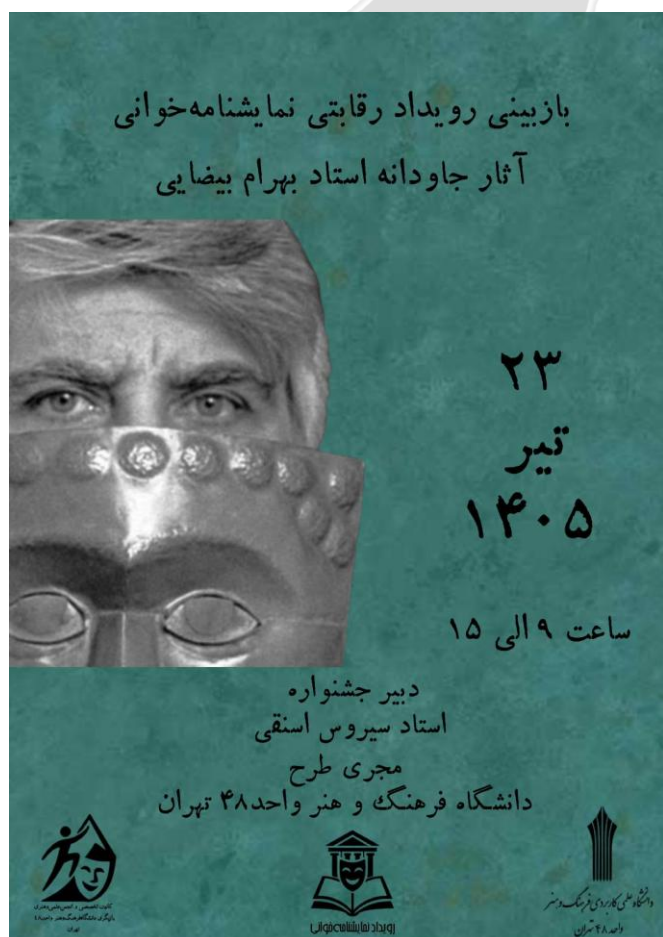
آرش به کارگردانی بهمن بلور

آژدهاک به کارگردانی مهتاب جعفری

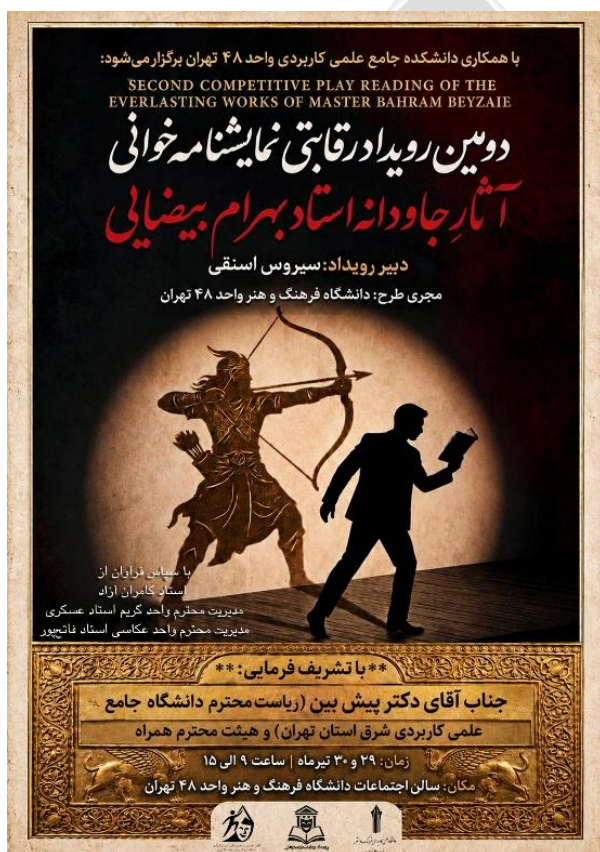
آژدهاک به کارگردانی بی بی فاطمه حسینی

آژدهاک به کارگردانی صدیقه همراهی

بنداربیدخش به کارگردانی گندم بیاتی



گروه‌های راه‌یافته به مرحله‌ی اجرای نهایی رویداد رقابتی نمایشنامه‌خوانی، بر اساس رأی هیئت داوران، به شرح زیر اعلام گردید.



ضیافت به کارگردانی رهام امین

بندار بیدخش به کارگردانی گندم بیاتی

بندار بیدخش به کارگردانی زهره صادقیان

ساحل نجات به کارگردانی مانی نوری

چهارصندوق به کارگردانی زهرا تات

مرگ یزدگرد به کارگردانی ارغوان عزیزی

مرگ یزدگرد به کارگردانی عرفانه خانی

آژدهاک به کارگردانی صدیقه همراهی

آژدهاک به کارگردانی بی‌بی فاطمه حسینی

دارنامه به کارگردانی پویا مؤمنه

این رویداد در روزهای ۲۹ و ۳۰ تیر ماه در محل سالن اجتماعات دانشگاه به داوری اساتید گرانقدر استاد رضا فیاضی، استاد رضا عاشوری فر، استاد مجید قربانی، استاد سامان خلیلیان، استاد کامران آزاد برگزار گردید. لازم به ذکر است در روز ۲۹ تیر ماه مفتخر بودیم در خدمت ریاست محترم دانشگاه جامع علمی کاربردی شرق استان تهران جناب آقای دکتر پیش بین باشیم.

یوسترهای رویداد رقابتی نهایشنامه‌خوانی

آزدهاک



نویسنده

استاد بهرام بیضایی

مشاور هنری

استاد سروس اصفی

انتخاب موسیقی

استاد کامران آزاد

کار گردان

فاطمه حسینی

خوانشگر

فاطمه حسینی

دستیار کار گردان

زهره خلغی

واحد عکاسی

استاد فاتح یور

مشتی صحنه

ستایش حسین زاده

واحد گزیم

استاد سعیدی

طراح کاور

خاتم فایزه سیری

مجموعان گزیم

خانم ها ریحانه کریمی

سالن اجتماعات

دانشگاه فرهنگ و هنر واحد ۴۸

طراح لباس

محمد شاهان خلغی

تیر ۳۰

۱۴۰۵

طراح نورپردازی

مهدی

طراح صحنه

مهدی

طراح آهنگ

مهدی

طراح آهنگ

مهدی



چشمانه‌های نمایشنامه خوانی
آثار جاودانه‌ی استاد بهرام بیضایی



مرگ بزدگرد

نمایشنامه خوانی
اثر بهرام بیضایی



مستقر خبری:
استاد سهراب استانی



آهنگساز:
استاد کامران آزاد



تألیف:
استاد عرفان نظام زاده



گردآوری:
فاناز سهری



محرور اثرها:
دانشگاه فرهنگ و هنر واحد ۲۸



مستقر خبری:
استاد سهراب استانی



گردآوری:
ارغوان فاطمه مژنیی مرزاه



مستقر اثرخوانی:
مهدیس نعمت‌لو



بازگزارنده:
مهدی فتاحی
سید علی طراباطایی
الشین رشیدی
دانیال رستم پور
سما عزیز پور
سعید مصطفوی
مهدیس نعمت‌لو



زمان برگزاری:
۳۰ تیر ۱۴۰۵



ساعت:
۹



مکان:
سالن اجتماعات
دانشگاه فرهنگ و هنر
واحد ۲۸

تولید و انتشار: انتشارات فرهنگ و هنر واحد ۲۸

طراحی: بهرام بیضایی



دانشگاه فرهنگ و هنر واحد ۲۸



دانشگاه فرهنگ و هنر واحد ۲۸

توسیدہ:

استاد بہرام بھاضی

کارگردان:

مسعود ہندی

مانی نوری

استاد مجید قربانی

مشتی صحنہ:

دستیار کارگردان:

حیرت یارمحمدی

خواجہ اشگران:

رعنا محبوب

مینا انصامی

سہیل نوائی اواسٹ

مانی نوری

متین محمد باقری

امین امینی

فاطمہ طاہری

گریہ بازغزوہ سیدی

رعناہ کریمی

رزا رضایی

انتخاب موسیقی:

استاد امروان آزاد

با ہمراہی از: محبوب، محروم و ذریعہ احمد، مسکرو و
مدیریت محروم و ذریعہ مسکرو، استاد فاتح

مکان: سانی اجتماعات

زمانہ: ۱۲-۱۱-۱۳۰۰

دانشگاہ: فرہنگ و هنر واحد۳۸

موضوع: طرح دانشگاہ

چہرہ: عزیز واحد۳۸

طرح: موسیو

تصویر: یارمحمدی

یومدار و قاضی نمائندہ خوانی اتار جادوانہ استاد
بہرام بھاضی

ساحل نجات

[illegible]



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



نمایشنامه خوانی کارنامه بندار بیدخش

نویسنده : زنده یاد استاد بهرام بهیانی کارگردان : زهره ساداتیان دستیار کارگردان : پارسین خواجهان

خواجهانکتران: کاظم خجندی زهره ساداتیان	طراح و اجرای موسیقی: محمدرضا سدر	گروه ۱: فرشته سعیدی رحیمه کریمی رویا رشکی
---	---	--

زمان برگزاری : ۲۹ و ۳۰ تیر ماه ۱۴۰۵

مکان: سالن اجتماعات دانشگاه علمی کاربردی واحد ۴۸

بویهداد رافعیان نمایشنامه خوانی آثار چاوالانه استاد بهرام بهیانی

از سبایان
مهریت محرم وادیه گریز عسکری
مهریت محرم وادیه عسکری استاد دانا دور
دور بویهداد استاد سپهری استانی
استاد گلران ازل

چهار صندوق



شاور هنری
استاد سیروس استنق
انتخابی مومینیس
استاد کامران آزاد
با سپاس از مدیریت محترم واحد گرم
استاد عسکری
و مدیریت محترم واحد عکاسی استاد فاتح پور

خود انگیزان
صافیه همراس
گندم بیاق
اکرم واحدی
فازانه تقایی
رعنا صبحی
رواهام غلامی



نویسنده
استاد بهرام بهرام
کارگردان
زهرا تات
مدیر کارگردان
امیر رضایی
۲۷ الی ۳۰ تیر ۱۴۰۵
سازمان اجتماعات دانشگاه
فرهنگ و هنر واحد ۲۸

مدیر تیرج دانشکده فرهنگ و هنر واحد ۲۸ و ریادار فرهنگی نمایشنامه خوانی آثار جاوید استاد بهرام بهرام



کتابخانه و اسناد ملی و اسناد
پایه مرکز اسناد فرهنگ و هنر واحد ۲۸



سازمان اسناد و کتابخانه ملی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
فرهنگ و هنر واحد ۲۸

یوسترهای رویداد رقابتی نهایشنامه‌خوانی

کارنامه‌ی بندار میدخش

دویدار دقانی نمایشنامه‌نویسی آثار جوادله استاد بهرام بیضایی



نویسنده: استاد بهرام بیضایی

انتخاب موسیقی استاد کامران آزاد گرم فاناز سیری روحانه کریمی دزا رضایی مجری طرح دانشگاه فرهنگ و هنر واحد۴ تهران	مشاور هنری استاد سیروس اسفندی کارگردان گدلم بیانی سپاس فراوان از مدیریت محترم واحد عکسی استاد فاتح پور مدیریت محترم واحد گرم استاد عسکری
---	---

۲۹ تیر ۱۴۰۵

سالن اجتماعات دانشگاه فرهنگ و هنر واحد۴



تئاتر ملی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی



تئاتر ملی ایران

رویداد رقابتی نمایشنامه‌خوانی آثار جادوستان بهرام بیضایی

ضیافت

The feast

نویسنده استاد بهرام بیضایی

کارگردان

رهام امین

مشارع هنری

استاد سپروس استنقی

خوانشگران

علی طباطبایی
متین رحیمی
رهام امین

انتخاب موسیقی

استاد کامران آزاد

گرمی

فانزه سیری
ریحانه کریمی
رزا رضایی

مجری طرح

انسانگاه فرهنگ و هنر

مدیریت محترم واحد گرمی استاد سکری

مدیریت محترم واحد عکاسی استاد فاتح‌پور

مدیریت محترم واحد موسیقی استاد کامران آزاد

مدیریت محترم واحد طراحی استاد علی طباطبایی

۲۹ تیر ۱۴۰۵ ساعت ۹

سالن اجتماعات دانشگاه فرهنگ و هنر واحد ۴۸

دانشگاه فرهنگ و هنر
تهران

رویداد فرهنگی نمایشنامه خوانی آثار جاویدانه
استاد بهرام بهشابی

آژده‌هاک

مشاور هنری: استاد سروش استغنی
هماهنگار: استاد کامران آزاد
تنظیم موسیقی: عرفان ناظم زاده
خوانشگر: صدفیه هدی‌رایی

مدیر طرح: دانشکده هنری آزادی‌ری فرهنگ و هنر استان آذربایجان

گروه:
فائزه سهرابی
ریحانه کریمی
دل‌آرزوهای

کارگردان:
صدفیه هدی‌رایی

مأموریت این گروه به ترویج و احیای گروه‌های صحنه‌ای
و نمایشی، به ترویج و احیای نمایش‌های با کیفیت و

مجموعه ۳۰ تا ۳۵ دقیقه ۱۹ ساعت ۱۱
سالن اجتماعات دانشکده هنری آزادی‌ری فرهنگ و هنر استان آذربایجان

انجمن فرهنگی و هنری
فرهنگی دانشگاه آزاد و هنر و ادب
آذربایجان

رویداد نمایشنامه خوانی

دانشکده هنری آزادی‌ری فرهنگ و هنر
استان آذربایجان

رویداد ربابی نهمینمایشنامه خوانی آثار استاد بهرام یضایی

تراژدی دارنامه

انتقاسی از فیلمنامه طومار شیخ عزیز

نوشته استاد بهرام یضایی

یازنویسی برای اجرا: پویا مومنه

استاد راهنما: استاد علی یعقوبی زاده

مشاور هنری: استاد سرویس استفی

انتخاب موسیقی: استاد کامران آزاد

خوشنواگردان: پویا مومنه

دستیاران: محمد امیریپا و امیر فاجان

مدیرصحنه و گرافیکست: میتر بخشی

مشتی صحنه: محمده کریمی

دستیارصحنه: صدرا سلطانیان

خوشنواگران

شیخ مقبول، سردار مقول و قربان: علی خدایی

شیخ شامل و ادک خان: سید علی طباطبایی

شیخ تاجک و حکمت: مانی نوایی

سلطان و فرصت: متین رحیمی

مختصره: هدیه فدایی

فرزاد مقول و غیرت: بهرام امین

گهیان و جلاده: نادر سروری

فروشنده و حمزه: مهدیه خوش فطرت

دلال و خیرود: نیلوفر طاهری

مشتی دیوان: اکرم واحدی

کتیر: پریسا تاجیک

استاد و مروت: امیرفاجان

ابنار خانو: سما عزیزپور

شرزین: اهورا کالودی

مجموعی طرح: اندیشه فرهنگ و هنر واحد ۴۸ تهران

و با سپاس از هیئت محترم داوران: استاد رضاغیاثی، رضاغاشوری فر، سامان خلیلیان، مجید قربان و کامران آزاد

تولید و اجرای: گروه نمایشنامه خوانی

گروه نمایشنامه خوانی

گروه نمایشنامه خوانی

گروه نمایشنامه خوانی

نتایج آرا هیئت محترم داوران

آرا هیئت محترم داوران به شرح زیر اعلام گردید:

پنج کاندید برگزیده هیئت داوران

(۱) تراژدی دارنامه (۲) ساحل نجات (۳) بندار بیدخش (۴) چهار صندوق (۵) مرگ یزدگرد

آثار منتخب و راه یافته به جشنواره ۱۴ آذرماه ۱۴۰۵

مقام نخست : مرگ یزدگرد (ارغوان عزیزی)

مقام دوم : چهار صندوق (زهرا تات)

مقام سوم :بندار بیدخش (زهره صادقیان)

پنج خوانشگر بانو

خوانشگر برتر و منتخب ویژه هیئت محترم داوران : سماء عزیزپور

خوانشگر نخست : رعنا محبوبی

خوانشگران شایسته تقدیر :اکرم واحدی گندم بیاتی پریسا تاجیک

پنج خوانشگر مرد

خوانشگر برتر و ویژه هیئت محترم داوران : سید علی طباطبایی

خوانشگر نخست : کاظم عینعلی

خوانشگران شایسته تقدیر :سجاد نوایی امیر فداجان مهدی فتاحی

تقدیر و سپاس ویژه هیئت محترم داوران از تلاش بی وقفه بانوی واحد بازیگری دانشگاه : صدیقه همراهی

تقدیر و سپاس ویژه هیئت محترم داوران از دانشجوی پرتلاش در چندین رشته هنری : افشین رشیدی

امید است چنین جنبش‌هایی متداوم بوده و قدمی کوچک در مسیر رشد و تعالی فرهنگ و هنر در کشور

عزیزمان باشد.



مصاحبه با داوران رویداد

استاد رضا فیاضی

درود بر شما عزیزان دلم انشالله که سلامت و تندرست باشید

ماجرای نمایشنامه خوانی برای من یک فرصت خیلی خوب بود که دوباره مرور بشه بر آثار استاد و بسیار انتخاب شایسته ای بود از طرف استاد اسنقی که بهش تبریک میگم، هم انتخاب درست بود هم کاری که انجام شد با وجود محدودیتی که ایجاد شده بود برای ایشون ظاهرا بخاطر اینکه دانشگاهی باشه تا یک فرصت عام باشه... بهر حال برای منی که علاقمند بودم به این ماجرا و بدون هیچ چشم داشت حضور پیدا کردم انتظار حداقل رو داشتم که دعوت بشم برای اهدای جوایز، خیلی از بچه ها مسئلهشون همین بود که چرا ما از دست شما جایزمنون رو نگرفتیم...بماند، و یک مسئله ای که اتفاق افتاد همینم باعث شد که من یک گروه از بروچیه های دانشجوی انتخاب کنم و الان نمایش مرده خوابم رو با این عزیزان دارم تمرین میکنم، این فرصت بنظر فرصت خوبیه برای کار دانشجویی من چون خودم احترام قائلم برای کار دانشجویی، من با یه کار دانشجویی شروع کردم با استادی بزرگ مثل دکتر رفیعی، دکتر محمد فرصت و اینها خاطرات شیرین من هستند و تجربه های بزرگ من برای زندگیم.

در هر حال نقدی ندارم واقعا خاص مگر اینکه این فرصت پیدا بکنه برخورد ایرانی جهانی بشه با این معقوله و جناب دکتر حسینی هم لطفا لطفا عنایت بیشتری نسبت به این موضوع داشته باشن، درسته ما چشم داشتی نسبت به این موضوع نداریم اما حرمت اولیه رو انتظار داریم حرمت همین که به ما خبر بدین و ما در جریان کاری که اتفاق افتاده قرار بگیریم.

متشکر خدانگهدار شما ارزوی بهترین هارو میکنم برای خود علمی کاربردی واحد ۴۸ و بروچیه هایی که دارن

زحمت میکشن از اساتید تا خود دانشجوها...



مصاحبه با داوران رویداد

استاد مجید قناد

ضمن تبریک از نمایشنامه خوانی که بسیار مفید بود

هماهنگی و همکاری خوب بین دانشجویان که لازمه یک کار هنری مثل تئاتر می باشد

آشنایی بیشتر بین دانشجویان در جهت در ست اجرا کردن نمایشنامه خوانی

پیدا کردن و تجربه بیشتر در کنار اساتید در جهت اجرای نمایشنامه خوانی

از همه مهمتر یادی از یک اسطوره و بزرگمرد کارگردان و نمایشنامه نویس

دوستان دانشجو با اجرای خود آموزش بیشتر دیدن و از کارهای دوستان خود هم آموزش گرفتن هم آموزش دادن

در نهایت کار بسیار مفیدی انجام شد که در عرض یک هفته کار یک سال را تجربه کردن و جا دارد از ریاست محترم دانشگاه و دبیر محترم این جشنواره و همه اساتید که تلاش داشتن تشکر کرد و انشالا این حرکت خوب ادامه داشته باشد



مصاحبه با داوران رویداد

استاد بانو شمسی صادقی

رویداد نمایشنامه خوانی، رخدادی بسیار جذاب و پربار بود که شامل:

- ۱- ایجاد تپاپو و کنش در دانشجویان برای خواندن و نزدیک شدن به آثار ارزشمند استاد بیضایی
- ۲- تمرین و تقویت کار تیمی و گروهی دانشجویان
- ۳- به عینیت در آمدن پتانسیل و توانایی و نقاط ضعف دانشجویان، هم برای خودشان و هم برای استادان و مسئولین دانشگاه
- ۴- ایجاد شور و شوق وانرژی برای رویدادی که متعلق به خودشان بود و فضایی سرشار از رقابت سالم
- ۵- جلسات نقد و بررسی اجراها که حتما سرشار از یادگیری و مفاهیم و نکات آموزشی جدید بود. و مطمئنا موارد بسیار موثر دیگری که الان حضور ذهن ندارم. در پایان این که: چنین رویدادهایی از ضرورت های فضاهای آموزشی ست. (زیر بنایی محکم برای حرکت دانشجویان به سوی آینده)



مصاحبه با داوران رویداد

استاد علی یعقوبزاده

در کل چیزی که می‌توانم بگویم این است که برگزاری چنین رویدادهایی امکان مواجهه با متون نمایشی را برای دانشجویان رشته بازیگری و کارگردانی فراهم می‌کند دانشجو می‌تواند در چنین فرصت‌هایی ایده‌های هنری خود را به منصفه ظهور برساند. چیزی که در فضای حرفه‌ای به این راحتی برای او پیش نمی‌آید. تجربه کار گروهی فرصتی است مغتنم برای دانشجویان رشته تئاتر. همچنین می‌توان به فراخور نیاز و یا ضرورت‌های هنری کارگاه‌هایی را تدارک دید که دانشجویان بتوانند با گذراندن آنها مهارت‌های لازم در بازیگری را به دست بیاورند. در چنین رویدادهایی دانشجویان تجربه می‌کنند که چه کسانی در تجربه تئاتری با آنها هماهنگ‌تر همفکرتر و هم سلیقه‌تر هستند. دانشگاه محل یاد گرفتن و تجربه کردن و فضای حرفه‌ای مکان ارائه یافته‌ها در محیط حرفه‌ای است.



مصاحبه با داوران رویداد

استاد سامان خلیلیان

با سلام و عرض ادب خدمت شما عرضم به حضورتون خب به هر حال این رویداد که من امسال این افتخار رو داشتم در کنار اساتید و دانشجویان محترم دانشگاه علمی کاربردی واحد ۴۸ باشم خب واقعیتش اینکه با عنوان مروری بر آثار استاد بیضایی برگزار شد و خب همین اندازه به نظرم کافیه برای اینکه آدم چه اساتید چه دانشجویها و چه دانشگاه مایه خرسندیشون بشه که بخوان مروری بر آثار استاد بیضایی داشته باشن به هر حال ما در طول تاریخ ادبیات نمایشی ایران جایگاه رفیع استاد بیضایی رو به هیچ عنوان نمی تونیم نادیده بگیریم و به هر حال وقتی از یک حیث نگاه می کنیم تاثیرات قلم و حضور استاد بیضایی بر خود ادبیات نمایشی معاصر ایران بر کسی پوشیده نیست لذا اینکه بر من بسیار بسیار ارزشمند بود و باعث افتخار بود و مایه مباهاتم شد بتونم در این رویداد هر چقدر کم اما به هر حال حضور داشته باشم و ارج بزارم حضور اساتید و دانشجویان رو و این جور هم بتونم ادای احترامی کرده باشم به خود استاد بیضایی به هر شکل این رویداد به نظرم یکی از مغفول های بزرگ سالیان پیش بود که در زمان حیات استاد بیضایی خیلی متأسفانه نسبت ایشون و آثار ایشون شاید ادای دین نشده بود اما باز به هر حال همین اتفاق که با زحمت و حمایت جناب دکتر حسینی رئیس دانشگاه و با مدیریت دوست نازنینم سیروس اسنقی عزیزم انجام شده بود بسیار بسیار اتفاق و رویداد خوشایند و به هر حال بهره برداری همه ما از آثار استاد شد امیدوارم در دوره های بعدی بعد از نمایشنامه خوانی حتی ما به اجرای آثار استاد در حوزه اجراهای نمایشی استاد بتونیم در واحد ۴۸ دانشگاه با حضور همه دانشجویان عزیز رپرتوار اجراهای نمایشنامه استاد بیضایی در پیش رو انجام بدیم سپاسگزاری می کنم و باز هم تشکر می کنم از همه مدیران و همراهان بخصوص دانشجویان واحد ۴۸ که باعث شدند که این برگ زرین رو در تاریخ ایام تحصیل دانشجو ها و حضور اساتید رو بر جای بذارم.



مصاحبه با داوران رویداد

استاد رضا عاشوری فر

بسیار خوشحالم که در رویداد نمایشنامه-خوانی استاد بیضایی، افتخار حضور داشته و سهم کوچکی از داوری جشنواره را در کنار استادان بزرگوار به دبیری جناب استاد اسنقی عزیز بر عهده داشته و شاهد تلاش و رقابت دانشجویان و مرور دوباره آثار ماندگاری بودم که از دوران نوجوانی با مطالعه آنها بسیار آموخته و لذت برده-ام. درین سرزمین به دلایل مختلف، رویدادهای نمایشنامه-خوانی و برگزاری آن، همیشه با بحث-های گوناگونی همانند چرایی لزوم برگزاری، تفاوت با اجرای تآتر و روخوانی، مقایسه با نمایش رادیویی و چگونگی تبدیل آن به رپرتوار همراه بوده است. پیش ازین، از استادان و بزرگان تآتر آموخته-ایم که در دنیا بجز نمایشنامه-های فقط خواندنی، دیگر آثار برای اجرای روی صحنه نوشته-شده و اگر نمایشنامه-خوانی صورت گرفته برای گروه-های دانشجویی، متن-های تازه و تماشاگران محدود بوده است و یا اگر مشابهتی با نمایش رادیویی دیده شده، بیشتر از منظر شنیداری بوده و گرنه می-دانیم که در فرم نوشتن و اجرا تفاوت-های بسیاری وجود دارد؛ همچنان که مبحث رپرتوار در ایران بسیار سابقه و آشنایی اندکی داشته ولی می-تواند در چنین رویدادهایی مورد استفاده قرار گیرد.

آنچه بیشتر درینجا مورد نظر نگارنده-ست، بررسی تفاوت بین Play Reading خوانش نمایشنامه، دورخوانی با Staged Reading نمایشنامه-خوانی صحنه-ای بر اساس بخشی از برگردان به پارسی مقالاتی-ست، که به قلم فران مونتانو با عنوان "Play Reading vs Staged Reading" نوشته شده است. برخی بین این دو شیوه دچار اشتباه شده و گمان می-کنند که هر دو به یک شکل بوده، گاهی یکی را بجای دیگری استفاده کرده و یا حتا با هر دوی آنها به طور کلی مخالفند. به هر روی هنگام برنامه‌ریزی برای نمایشنامه-خوانی، بهتر-ست هدف خود را از انجام آن مشخص کرده تا با تصمیمی آگاهانه به اجرا برسند.

"در خوانش نمایشنامه Play Reading آنچه بیشتر اهمیت دارد فرصتی-ست که برای شنیدن اثری [تازه، ناشناخته و کمتر شنیده شده ایجاد گردیده تا بتوان از آن برای معرفی نویسنده و یا متن، ارزیابی اثر و جذب سرمایه‌گذاران، تهیه-کنندگان، کارگردان و دست-اندرکاران تآتر استفاده-کرد. بازیگران نقش-خوانان باید بتوانند در خوانش نمایشنامه Play Reading، دورخوانی نقش خود را با بیان درست، حس متناسب با نقش و شور و شوق بسیار، فقط با نشستن پشت میز [روی صندلی و یا ایستاده] با در دست داشتن متن، بازی کنند. آنها تمام مدت نشسته-اند و اجراها از طریق بیان آنها انجام می‌شود. تمام حرکت-ها، توضیح-ها و نکات

نوشته شده از سوی مدیر صحنه (سرپرست، راوی) خوانده شده که او هم یک نقش خوان است، که باید با لحن مناسب، از بیان و احساساتش، استفاده کند، زیرا حرکت برای نقش خوانان وجود نداشته و یا بسیار اندک دست‌ها و چهره‌ها خواهد بود. این بهترین راه برای "شنیدن" اثر و توانایی نویسنده‌ی نمایشنامه است. در خوانش نمایشنامه که با روخوانی فرق دارد، هیچ ورود و خروجی وجود نداشته و اگر نقشی وارد صحنه شود، روی صندلی مشخص شده، می‌نشیند و مدیر صحنه (سرپرست، راوی) آن را با اعلام جهت ورود به صحنه می‌خواند...

گروه نقش خوانان در نمایشنامه خوانی صحنه‌ای Staged Reading متنی را که اجرا می‌شود، "نشان می‌دهند". این برنامه‌ای بصری و دیداری‌ست، هم تماشا شده و هم شنیده می‌شود، برخلاف قبلی، گروه "امکانات" یک تولید نمایشی از متن را "نشان دهند". بنابراین، دارای حرکت، جهت، وسایل و کنش‌هاست.

برخلاف خوانش نمایشنامه Play Reading، دورخوانی، که کنش‌ها و اعمال نمایشی را مدیر صحنه می‌خوانده، در نمایشنامه خوانی صحنه‌ای Staged Reading، ولی آنها کنش‌ها تماشا و اجرا می‌شوند. ایده آن‌ست که تا حد امکان، تصویری از آنچه را که متن ممکن‌ست برای اجرای تأثیر داشته باشد، به تماشاگران ارائه گردد. وقتی یک نمایشنامه خوانی صحنه‌ای عالی را می‌بینم، حتا متوجه نمی‌شویم که بازیگران متن نمایشنامه را در دست دارند. در این اجراها، متن نمایشنامه‌ها انگار مانند یک تکه از لباس به نظر می‌رسند. کارگردان در یک نمایشنامه خوانی صحنه‌ای برخلاف قبلی کار بیشتری دارد؛ باید زیرمتن‌ها، ریتم و حرکات تمرین شده باشند. حتا برخی از سخنرانی مونولوگ‌های پرشور حفظ کردند. بازیگران نقش خوانان باید در حین برقراری ارتباط چشمی با دیگران، نگاهی اجمالی به متن نمایشنامه بیندازند. آنها از بدن، بیان و احساس خود برای بازی یاری می‌گیرند. در اینجا نیز اجراها ممکن‌ست برای تهیه‌کنندگان در کنار دیگر مخاطبان صورت گیرد..."

باید به این نکته نیز اشاره کرد که در ایران، نمایشنامه خوانی صحنه‌ای Staged Reading، را برخی از گروه‌ها با عنوان اجراخوانی برای تماشاگران، ارائه داده‌اند که تاکنون از سوی مرکز هنرهای نمایشی و بسیاری از بزرگان و استادان تأثیر، این عنوان مورد پذیرش قرار نگرفته است. به هر روی بنا به هر دلیلی و هر شکلی از ارائه، رویدادهایی مانند نمایشنامه خوانی می‌توانند برای دانشجویان، هنرجویان، گروه‌های تخصصی نمایشنامه نویسی و علاقمندان فرصت و انگیزه‌ای جهت تلاش و تمرین بوده و مصداق همان شعر مشهور سعدی بزرگ است که: "به راه بادیه رفتن، به از نشستن باطل."



مصاحبه با داوران رویداد

استاد مجید قربانی

رویداد نمایشنامه خوانی آثار استاد بیضایی در محیط دانشگاه با خوش فکری مدیر گروه بازیگری استاد سیروس اسنقی فرصتی ارزشمند را برای دانشجویان بازیگری فراهم آورد تا خود را به چالش بکشند و بهانه ای هوشمندانه برای آشنایی بیشتر با نوشته های زنده یاد بهرام بیضایی شد که برکاتش در مسیر آموزش تا سالیان سال همراه دانشجویان و حتی اساتید حاضر خواهد بود.

افتخار همراهی بنده با دانشجویان و برگزار کنندگان این رویداد به عنوان یکی از داوران این اتفاق بسیار خوشایند بود به امید پر تکرار بودن این تلاش ها



مصاحبه با داوران رویداد

استاد کاظمی پور

رویداد نمایشنامه خوانی آثار استاد بزرگ قلم بهرام بیضایی بهر حال یک اتفاق روبه جلو و یک حرکت مثبت از سوی دانشگاه علمی کاربردی واحد ۴۸ بود و در شرایطی که دانشگاه‌ها به دلیل شرایط جنگی و امنیتی در حالت غیرحضور برقرار می‌شد باعث شد که دانشجویان به تکاپو و تقلایی برای کار کردن بیوفتن و خودشان رو محک بزنن و با خوانش آثار خوب استاد بیضایی بتونن حداقل اندکی از اون خلعی رو که در عدم برگزاری کلاس به صورت حضوری بود رو جبران بکنند، این حرکت بسیار بسیار ارزشمند و به خوبی خودش قابل تقدیره و از همگی دست اندرکاران برگزاری این رویداد مهم باید تشکر کرد و امیدواریم که در سالهای آینده نیز این حرکت ادامه داشته باشه و دانشجویان بتونند با همکاری و همدلی بیشتر به شکل حضوری در کنار راهنمایی اساتید ارزشمند دانشگاه این حرکت رو ادامه بدن و در حقیقت در مراحل بعدی نیز بتونن به اجراهای قابل قبول و خوب و در شأن دوران دانشجویی خودشون برسن و همین کارا در دوران دانشجویی هست که باعث میشه با تجربه، با آزمودن، با همکاری و با مشارکت دانشجویان بتونند قدم های حرفه ای تر و جدی تری رو در آینده دنبال بکنند و هرچی این فعالیت ها ر دوره دانشجویی بیشتر باشه قطعاً و قطعاً فرصت تجربه ایست برای دانشجویان تا بتوانند قدم های جدی تر و محکم تری رو در عرصه حرفه ای بردارن و امیدوارم این رویداد به همین امسال خطم نشه و در سال های آینده با جدیت بیشتر، با در اختیار دادن فضا در اختیار دانشجویان و همچنین به کارگیری اساتید مشاور بتونند کارهای ارزشمندتری رو به روی صحنه بیاورند و این امر باعث میشه که به پویایی، طراوت و حرکت در دوره دانشجویی برای دانشجویان رقم بخوره و اگر این اتفاقات و این رویدادها بیشتر بشه در دوره دانشجویی و در دوره ای که بچه های در طرف اموختن و تشنه یادگیری هستند قطعاً باعث میشه که اونها با اندوخته های بیشتری پس از پایان تحصیلات خودشون به جامعه حرفه ای پا بگذارند و هرچه این تجربه ها کمتر و کمرنگ تر باشه قطعاً بچه ها از اندوخته کمتری برخوردار خواهند بود به نظر من برگزاری این گونه از رویداد ها بسیار بسیار میتونه در رشد دانشجویان و در رشد سطح علمی و فنی و تکنیکی آنها موثر باشه و قطعاً باید در کنار دانشجویان، اساتید بزرگوار نیز همت بکنند، کمک بکنند و در تمرینات بچه ها حضور پیدا کنند آنها رو راهنمایی بکنند و در مسیر درست هدایت بکنند و این هدایت با همکاری و مشارکت دانشجویان باعث میشه که آنها آینده حرفه ای خودشون رو بهتر رقم بزنند، تکلیفشون با خودشون مشخص تر باشه و قطعاً کسانی که در این قضیه جدی تر باشند و با ایمان بیشتری دنبال بکنند کار رو آینده هنری این سرزمین رو رقم خواهند زد، فراموش نکنیم دوره ی دانشجویی دوره ای پر از تجریس دوره ای که ادم باید به

شدت در عرصه های مختلف فعالیت بکنه، کار بکنه بهترین دوره ی جوانی و بهترین دوره سنی هست و زمانی هست که همه میتونن در این سنین تجربه های بینظیری داشته باشند و حتی از اشتباهات خودشون نیز درس بگیرند و در کارهای ایندشون انهارو برطرف بکنند و اگر این اتفاقات به شکل جدی تری دنبال بشه حمایت بیشتری از دانشگاه ارگان های دیگری هم به همراه داشته باشه قطعاً مسیر حرفه ای برای آنها هموار تر خواهد بود، امیدوارم که در سالهای آینده شاهد رشد و پتانسیل بالا و بیشتر این رویدادها باشیم



مصاحبه با داوران رویداد

استاد کامران آزاد

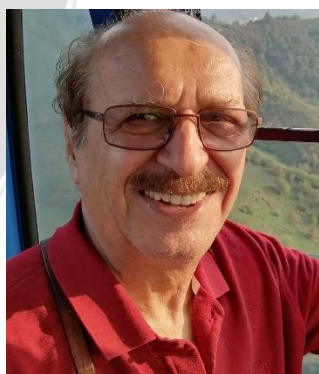
حضور در جایگاه داور این دوره از نمایشنامه‌خوانی دانشجویی، برای من تجربه‌ای ارزشمند و لذت‌بخش بود. آنچه در اجراها بیش از همه جلب توجه می‌کرد، انگیزه، خلاقیت، جسارت و تلاش دانشجویان برای ارائه آثاری متفاوت و قابل تأمل بود. خوشبختانه در میان اجراهای ارائه‌شده، ظرفیت‌های قابل توجهی دیده می‌شد که نشان‌دهنده علاقه و توانمندی دانشجویان در حوزه هنرهای نمایشی است. به باور من، برگزاری چنین برنامه‌هایی تنها یک رقابت هنری نیست، بلکه زمینه‌ای برای تجربه‌اندوزی، گفت‌وگو، یادگیری و رشد هنری دانشجویان فراهم می‌کند. امیدوارم با تداوم و حمایت بیشتر از فعالیت‌های فرهنگی و هنری دانشگاه، شاهد حضور پررنگ‌تر دانشجویان و شکوفایی استعدادهای آنان باشیم. برای همه شرکت‌کنندگان این دوره، به‌ویژه جوانانی که با عشق و پشتکار قدم در این مسیر گذاشته‌اند، آرزوی موفقیت و درخشش در آینده را دارم.



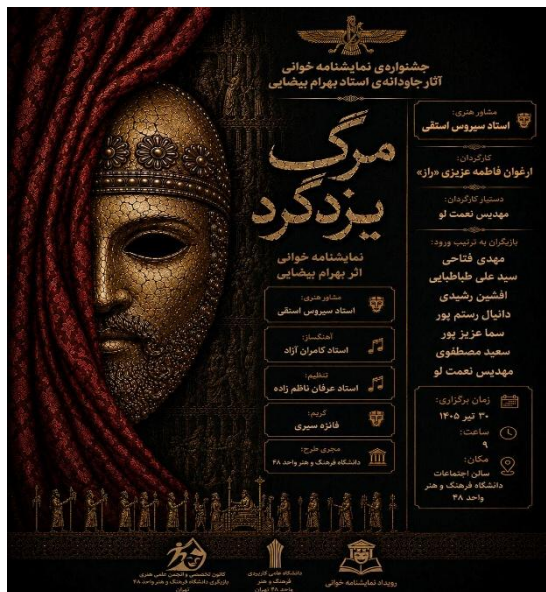
مصاحبه با استاد جزرگوار جناب آقای رضا قریشی

از تلاش ارزشمندتان و اعضای محترم انجمن بازیگری صمیمانه سپاسگزارم. خوشحالم که این رویداد با همت و انگیزه دانشجویان عزیز در حال شکل‌گیری است.

نمایشنامه‌خوانی، فرصتی ارزشمند برای پیوند اندیشه، ادبیات و هنر تئاتر و بستری برای پرورش خلاقیت، بیان و نگاه هنرمندانه دانشجویان است. برگزاری این رویداد را گامی مؤثر در مسیر ارتقای فعالیت‌های فرهنگی و هنری دانشگاه می‌دانم و برای همه دانشجویان و عوامل اجرایی، موفقیت و درخشش روزافزون آرزو دارم



مصاحبه با کارگردان‌های برتر رویداد نمایشنامه‌خوانی



نمایش مرگ یزدگرد

کارگردان: ارغوان عزیزی

خوانشگران:

مهدی فتاحی- سید علی طباطبایی- افشین رشیدی- دانیال رستم‌پور-

سما عزیزپور- سعید مصطفوی- مهدیس نعمتی

خانم ارغوان عزیزی:

ما شش یا هفت جلسه حضوری داشتیم در پلاتوهای متفاوت در سه تا پلاتوهای مختلف مثل صحنه آبی و حالا اون دوتای دیگه یادم نیست به

علاوه اینکه هر جلسه دو ساعت بوده و در هر جلسه ، من براشون برنامه تنظیم کردم که بدن بیان و تمرین های استاد رو انجام دادیم واصلح خوانش نمایشنامه رو داشتیم و اگر لازمه که من اون برنامه ها رو هم میتونم بذارم و بعد جدول ارزشیابی داشتیم حالا شش یا هفت یا هشت جلسه آره دیگه ،بر اساس اون چیزی که تو گروه گذاشته بودم ، ما جلسه آنلاین دو ساعته داشتیم که خوانش‌های بچه‌ها تمرین استاد رو انجام دادیم و بعد از اتمام تمرین با دونه دونه بازیگرها به اصلاح خوانش پرداختم و در رابطه با رفع اشکال صحبت کردیم البته قبل از همه چیز ما دو جلسه تحلیل داشتیم داخل خود همون گروه‌مون قبل از اینکه حضوری شروع بکنیم بچه‌ها هر کدوم جداگانه تحلیل هاشون رو گذاشتند و تا الان که دیگه داریم با جناب استاد کامران آزاد برای موسیقی حالا تبادل و اطلاعات می‌کنیم هر بار بر اساس تحلیل‌ها جلو رفتیم.

و علت انتخاب این نمایشنامه برای من به شخصه خیلی چیزا بود ولی اون چیزی که خیلی با اهمیت و مهم تر بود نزدیکی فضای نمایشنامه با فضای معاصر و حال ایران عزیزمون بود و خیلی فضا با فضای الان جامعه و حقیقت های تلخ و ناپیدای جامعه برای من انگار که صد سال بود این نمایشنامه رو می شناختم و رسالتم دونستم و خواستم که قدمی برداشته باشم در مسیر بیداری...

بعد اینکه خب بازیگران من هم علت انتخابشون این بود که نزدیکی نقش رو توی اون بازیگرها خیلی دیدم کاراکترهای نقش رو توی بازیگرها دیدم و دیگه خب اگر اطلاعات دیگه‌ای هست نیازه که فکر می‌کنید ما به سری عکس و فیلم داشتیم هدفمون هم اجرای صحنه‌ای هست در آینده‌ی نزدیک انشالله.

مصاحبه با کارگردان‌های برتر رویداد نمایشنامه‌خوانی

نمایش چهار صندوق

کارگردان: زهرا تات

خوانشگران:

صدیقه همراهی - گندم بیاتی - اکرم واحدی - فائزه تقوایی - رعنا محبوبی

خانم زهرا تات:

چهار صندوق با چهار شخصیت ابتدایی شروع میشه که با اسم رنگ‌ها نامگذاری شدن، زرد، سبز، قرمز و سیاه. این چهار رنگ یک روز تصمیم میگیرن که برای زندگی بهتر و اینکه راحت‌تر به کار و زندگیشون برسن

برای خودشون یک مترسک محافظ درست کنن تا از اینا در مقابل تهدیدها و ناامنی‌های احتمالی زندگی محافظ کنن، پس همگی دست به کار میشن و مترسکی میسازن اما اونطور که انتظار داشتن پیش نمیره، به مترسک قدرت و سلاح میدن اما او بعد از جان گرفتن اوضاع را به دست میگیرد، هر کدام را مجبور می‌سازد تا برای خود یک صندوق (زندان) بسازند و درون آن بروند. در نهایت، تلاش‌های پراکنده آن‌ها برای رهایی به دلیل عدم اتحاد و بدبینی به یکدیگر شکست می‌خورد.

چهار صندوق یکی از نمادین‌ترین و برجسته‌ترین نمایشنامه‌های بهرام بیضایی است که در سال ۱۳۴۶ نگاشته و منتشر شد. این اثر دو پرده‌ای، با زبانی استعاری و در قالب یک مضحکه، روند شکل‌گیری استبداد، خودکامگی و قربانی شدن طبقات مختلف جامعه را به تصویر می‌کشد.

از وقتی متوجه این موضوع شدم که استاد بیضایی هیچوقت موفق به اجرای نمایش چهار صندوق نشدن واسم جذاب‌تر شد و سالها قبل چندین بار خوندمش، با اینکه چندین سال از گذشت زمان انتشار این کتاب می‌گذره ولی موضوع چهار صندوق هنوز در زمان حال هم صدق میکنه و با مخاطب امروز ارتباط برقرار میکنه، نمایشنامه تکیه بر یک قهرمان ندارد و کاملاً گروهی است، رنگی بودن و باز بودن دست کارگردان برای انتخاب لباس، حرکت، رقص، موسیقی و... دلیل خوبی برای انتخاب این نمایشنامه بود.



مصاحبه با کارگردان‌های برتر رویداد نمایشنامه‌خوانی

نمایش کارنامه بندار بیدخش

کارگردان: زهره صادقیان

خوانشگران:

کاظم عینعلی - زهره صادقیان

خانم زهره صادقیان:

کار کردن متون استاد زنده یاد بهرام بیضایی از افتخاراتی بود که سه بار شامل حال بنده شده است. دینی که از استاد بر گردن خویش میبینم.

کارنامه بندار بیدخش مونولوگی دراماتیک از کشف درونیات و اندیشه های تاریخی است

یکی از متون دوست داشتنی و بسیار سخت از لحاظ ادبیات گفتاری و نوشتاری، زبان متن آرکائیک و دو برخوانی هست که البته می‌شد با سلیقه کارگردان چند بر خوانی هم بشود.

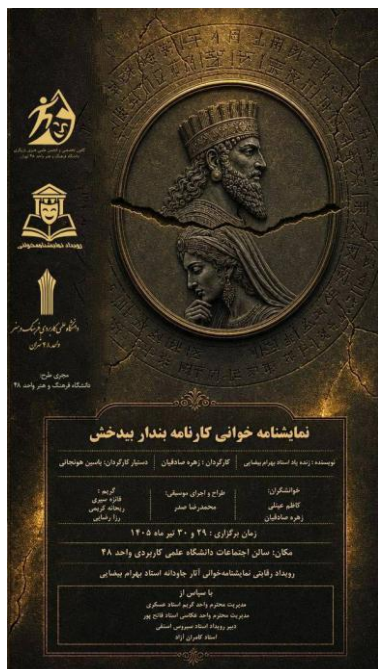
روایت جنگ قدرت و دانش است. شخصیت چند لایه و اسطوره گونه جم این متن از نظر من لا مکان و لا زمان است متنی که شامل تمام زمان ها و مکان ها میشود متنی آشنا از جنگی آشنا. جنگ میان قدرت و دانش. پادشاهی که دچار غرور، خشم و توهم می‌شود

روایت یک روایت درونی بود نه یک عنصر خارجی که بر داستان حاکم شده.

نمایشنامه پر از نماد و نشانه های فرهنگی ایرانی است

کار کردن این متن بسیار برای من ارزشمند بود و بی شک پر از چالش. تمرین ها با توجه به متن زمان بیشتری نسبت به تمرینات معمول نمایشنامه خوانی ها داشت

در انتخاب و طراحی موسیقی تاکید بنده بر استفاده از موسیقی زنده در کنار خوانش بود تا موسیقی در خدمت متن و بازیگر باشد و کمک کننده به پیشرفت هدف خوانش.



در این خوانش کاظم عینعلی بازیگر جم زهره صادقیان بازیگر بندگان. یاسین هونجانی دستیار کارگردان و محمدرضا صدر نوازنده همدین بودند

و تشکر ویژه از اساتیدی که در کنار ما حضور داشتند و جناب استاد اسنقی عزیز و دکتر حسینی که این فرصت را برای ما فراهم کردند.

و به قول رضا تهوری : اگر ادبیات نمایشی جهان شکسپیر و چخوف دارد . ادبیات نمایشی ایران هم بهرام بیضایی دارد.



اختتامیه رویداد نمایشنامه‌خوانی



یکشنبه مورخ ۲۵ مرداد ۱۴۰۵ در مراسم اختتامیه رویداد رقابتی نمایشنامه‌خوانی، توفیق حضور در محضر ریاست ارجمند دانشگاه فرهنگ و هنر واحد ۴۸ جناب آقای دکتر حسینی، استاد گرانقدر جناب آقای قریشی و ریاست محترم گروه استاد بزرگوار جناب آقای سیروس اسنقی حاصل آمد. این عزیزان با حمایت‌های ارزشمند خود، مسیر برگزاری هرچه باشکوه‌تر این رویداد را هموار ساختند.

بر خود فرض می‌دانیم که مراتب سپاس و قدردانی صمیمانه‌ی خود را به پاس زحمات بی‌دریغ و نگاه بلند این اساتید محترم، ابراز داریم. بی‌گمان، دلگرمی هنرمندان این مرز و بوم، در سایه توجه و همراهی بزرگان هنر و فرهنگ معنا می‌یابد.

برگزیدگان هیئت محترم داوران جشنواره نمایشنامه خوانی آثار جاودانه استاد بهرام بیضایی به شرح زیر می‌باشد

کارگردانی: مقام نخست ارغوان عزیزی برای نمایش (مرگ یزدگرد)

مقام دوم زهرا تات برای نمایش (چهار صندوق)

مقام سوم زهره صادقیان برای نمایش (بندار بیدخش)

شایسته تقدیر: پویا مومنه برای نمایش (تراژدی دارنامه) مانی نوری برای نمایش (ساحل نجات)

خوانشگران زن :خوانشگر برتر و منتخب ویژه هیئت داوران : سما عزیزپورخوانشگر نخست جشنواره : رعنا محبوبی

خوانشگران شایسته تقدیر :اکرم واحدیگندم بیاتپیرسا تاجیک

خوانشگران مرد :خوانشگر برتر و منتخب ویژه هیئت داوران : سید علی طباطباییخوانشگر نخست جشنواره : کاظم عینعلی

خوانشگران شایسته تقدیر :سجاد نواییامیر فداجانمهدی فتاحی

تقدیر ویژه هیئت محترم داوران از بانوی پرتلاش رشته بازیگری واحد ۴۸ : بانو صدیقه همراهی

تقدیر ویژه هیئت محترم داوران از نویسنده و دانشجوی پرتلاش در چندین رشته هنری : افشین رشیدی
امید که این حرکت‌های هنری، گامی هرچند کوچک در اعتلای فرهنگ نمایشی سرزمینمان باشد.

کانون تخصصی و انجمن علمی هنری بازیگری واحد ۴۸



نظر دانشجویان شرکت کننده در رویداد نمایشنامه خوانی

خانم ارغوان عزیزی:



حضور در جلسه نمایشنامه خوانی بیضایی برای من صرفاً یک رویداد نبود؛ فرصتی بود برای بازگشت به همان جایی که کلمه هنوز زنده بود و صدا در خدمت معنا. در فضایی که هیچ تزئینی جز نفسِ متن نداشتیم، تمرین کردیم که چطور با صدا، جهانِ یزگرد را از دل یک سالن ساده بیرون بکشیم...

آقای متین محمد باقری:



حضور و فعالیت در رویداد نمایشنامه خوانی آثار جاودان استاد بهرام بیضایی تجربه بسیار خوبی بود برای فهم و درک و شناخت آثار استاد و تلاش برای تحلیل متون و اجرای درست این فرصت رو به ما داد که در رویدادی بسیار حرفه ای حضور داشته باشیم. و از حضور استاد اسنقی عزیز به عنوان راهنما و یاری دهنده در طول این مسیر دشوار سپاس گذارم.

آقای سجاد نوائی:



حضور در رویداد نمایشنامه خوانی آثار استاد بهرام بیضایی برای ما فرصتی شد تا با آثار درخشان ایشان آشنا، علاقه مند بشیم و باعث شد با حمایت اساتید دلسوز و محترم تجربه ای بی نظیر به دست بیاوریم و از لحظه لحظه آن لذت ببریم.

با سپاس از تمامی اساتید و دوستان محترم

آقای مانی نوری:



حضور در این جشنواره بسیار دلنشین به خاطر اینکه بسیار توی افراد دیده میشد که دارن تلاش میکنند و دنبال کار خوب و درست با دلی پر از شوق هستند، همچنین اساتید بسیار مهربانی که سر کار های اومدن و کمک هریک از دانشجویان کردند با سپاس از تک تک دوستان

آقای مهدی فتاحی:



در روزهایی سخت در پس یک ترم تحصیل غیر حضوری فقط با یک تماس استاد عزیزم جناب اسنقی و دستور ایشان در مسیری تازه قرار گرفتم. آنچه از زحمات ایشان در نمایشنامه خوانی مرحله پیش آموخته بودم را نیاز داشتم در این مرحله کامل تر کنم، چرا که ایشان بسیار دلسوزانه مشق عشق می دهند.

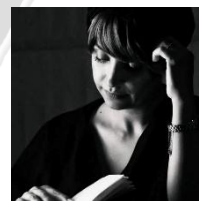
کلام در مرگ یزدگرد برایم زنده شد و در کنار دوستان قدیمی جانی دوباره جریان یافت و این است معجزه قلم فردوسی زمانه، روحش شاد و نامش جاودانه
اجراها بسیار فشرده و باهماهنگی های درست و بجا از کانون بازیگری با هدایت و حضور مستمر استاد اسنقی و داورهای گرانقدر دانشگاه در مرحله بازبینی و سپس مرحله اجرا با کیفیت بالا برگزار شد
سپاس از مسئولین کانون آقای رهام امین و سرکارخانم گندم بیاتی

خانم صدیقه همراهی:



این رویداد فرصتی ارزشمند برای درک جهان و اندیشه استاد بهرام بیضایی بود؛ تجربه ای عمیق برای کشف لایه های تازه ای از تاریخ و اسطوره. هر یک از آثار وی، از دریچه ای متفاوت، ما را به تأمل و شناخت دوباره انسان و جامعه دعوت نمود. از همه اساتید و همراهانی که زمینه ساز این تجربه گرانقدر بودند، صمیمانه سپاسگزارم.

خانم زهره صادقیان:



نمایشنامه این ترم با انگیزه تر و پر انرژی تر برگزار شد و اساتید همراه و دلسوزانه کنار ما حضور داشتند و از راهنمایی های آنها برخوردار شدیم. دیدگاه های متفاوت هدایت گری دانشجویان در آثار سخت و پر چالش زنده یاد استاد بیضایی کارها رو با روند متفاوتی به اجرا بردو از همه مهتر این بود که روی آثار با ارزش استاد بیضایی کار شد خوشحالم که تونستم در کنار اساتید عزیز درس پس بدهم. در آخر از استاد اسنقی عزیز برای اعتماد و زحماتی که کشیدند تشکر میکنم. و همچنین از دوستانی که بی چشم داشت پشت صحنه فعالیت کردند.

خانم رعنا محبوبی:



حضور در نمایشنامه خوانی آثار استاد بهرام بیضایی فرصتی ویژه برای آشنا شدن و درک آثارشون بود و برای من اولین تجربه نمایشنامه خوانی بود و بسیار لذت بخش بود از استاد

اسنقی عزیز و تمام اساتید عزیز و دوستان گرامی ممنونم که باعث رقم خوردن این تجربه دل انگیز بودن.

خانم گندم بیاتی:

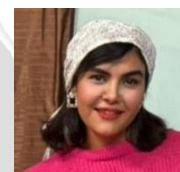


این رویداد برای من رسیدن به یکی از آرزوهایم بود. روزهای تمرین بهترین لحظات بودند.

ما با کمک استادان کاردان و فرهیخته توانستیم لحظاتی را واقعا در این نمایشنامه ها زندگی

کنیم تجربه ای هرچند کوتاه ،اما تکرار نشدنی ، سرشار از عشق ، یادگیری و بالندگی.

خانم سما عزیزپور:



به نظرم این رویداد تجربه ای ارزشمند و بی نظیر بود(از نظر اجرا و آشنایی و کار کردن در کنار

آدم های جدید)یکی از اتفاق های مهم، حضور اساتید و توجه و اهمیتی بود که به کارهای ما

داشتند؛ چیزی که قطعاً باعث انگیزه ی بیشتر ما شده بود.

آقای سید علی سرکشیکیان طباطبایی:



استاد بیضایی فقید در زمان حیاتشان هم برای من همیشه مردی بزرگ بودند که با خود

میگفتم کاش همه مردم ما ایشان و اندیشه هایش را می شناختند ، با توجه به گرویدن جوانان

و دانشجویان به سمت تأثر مدرن و نئو کلاسیک و به زعم من مهمترین تأثیر این رویداد

این بود که دانشجویان با آثار و جهان عالیجناب آشنا شدند و احتمالاً بعد از این بیشتر به خواندن و زیستن در

جهان نمایی او می پردازند. به گمانم این اولین رویداد رقابتی در این واحد بود که داوران سلیقه ای انتخاب

نکردند و باور کنید اگر بنده جایزه ای نمیگرفتم هم باز هم نظرم همین بود

همانطور هم چندبار گفتم استاد اسنقی عزیز بود که من را به این رویداد اضافه کرد و موتورم روشن شد باز هم

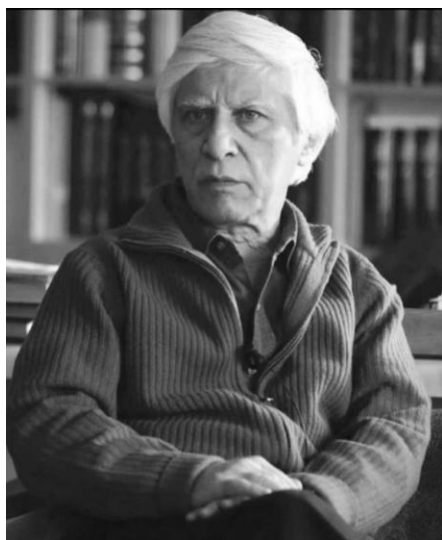
از تلاش های چند ماهه و جدیت و دیسیپلین ایشان سپاسگذارم

همچنین زحمات گندم جان بیاتی و رهام عزیزم که به شخصه شاهد تلاش هایشان برای درست برگزار شدن

این جریان بودم حتما که بهتر از این خواهیم بود.

پیوندِ درام و شعر؛ واکاویِ تبارِ شاعرانه و تأثیرات حماسی در آثار بهرام بیضایی

چکیده:



بهرام بیضایی، قله‌ی نمایشنامه‌نویسی و سینمای مدرن ایران، در بستری از فرهنگ و هنر سنتی رشد کرد که با «واژگان» و «وزن» عجین بود. این مقاله به بررسی این فرضیه می‌پردازد که دراماتورژی بیضایی، نه یک گسست از سنت، بلکه تداومِ تکاملی حماسه‌سرایی و شعرِ کهن فارسی است. با واکاویِ پیشینه‌ی خانوادگی، تأثیر فردوسی و تحلیل آثار کلیدی، نشان خواهیم داد که چگونه بیضایی «اسطوره» را از دلِ «شعر» بیرون کشیده و به فرمِ «نمایشی» بدل کرده است.

۱. ریشه‌های خانوادگی: در محضرِ واژگان

بهرام بیضایی در خانواده‌ای زاده شد که شعر، زبانِ مادریِ آن بود. پدرش «ذکایی بیضایی» و عمویش «ادیب بیضایی»، هر دو از شاعران شناخته‌شده‌ی دوران خود بودند. این میراثِ خانوادگی، بیضایی را از کودکی با موسیقی کلام، ایجازِ شاعرانه و وزنِ حماسی آشنا کرد. او یاد گرفت که چگونه «کلمه» می‌تواند تصویری را خلق کند که فراتر از واقع‌گرایی صلب باشد. این پس‌زمینه باعث شد بیضایی در نمایش‌نامه‌هایش، نه به دنبال دیالوگ‌های روزمره، بلکه به دنبال «زبانِ معیارِ نمایشی» باشد؛ زبانی که شکوهِ شعر را با حرکتِ صحنه پیوند می‌زند.

۲. حکیمِ طوس؛ معمارِ جان‌مایه‌ی درام‌های بیضایی

اگر برای هر نمایشنامه‌نویسی، یک «نقطه اتکا» در فرهنگ ملی وجود داشته باشد، برای بیضایی آن نقطه «شاهنامه فردوسی» است. بیضایی فردوسی را نه فقط یک شاعر، بلکه بزرگ‌ترین دراماتورژ تاریخ ایران می‌داند. او در مقالات خود بارها تأکید کرده که شاهنامه سرشار از موقعیت‌های نمایشی است که اگرچه در قالب حماسه نوشته شده‌اند، اما در بطنِ خود «کنشِ دراماتیک» (Dramatic Action) دارند.

۳. تحلیل آثار الهام گرفته

بیضایی در آثار خود، نه صرفاً بازنویسی داستان‌های شاهنامه، بلکه «بازخوانی انتقادی» و «مدرنیزه کردن اسطوره» را دنبال می‌کند:

اژدهاک: این اثر بازخوانی ضحاک ماردوش است. بیضایی با رویکردی متفاوت، تمرکز را از روایت خطی به «روان‌کاوی قدرت» می‌برد. او از فرم‌های نمایشی شرقی (تعزیه و نمایش‌های آیینی) استفاده می‌کند تا تداوم استبداد را از دل اسطوره بیرون بکشد.

سیاوش‌خوانی: در اینجا بیضایی سنت تعزیه (که خود نوعی شعر نمایشی است) را با اسطوره‌ی سیاوش ترکیب می‌کند. او با الهام از تقابل «بی‌گناهی» و «خیانت» که در شاهنامه هست، اجرایی خلق می‌کند که در آن، مخاطب به تماشای تاریخ تکرارشونده‌ی ایران می‌نشیند.

سهراب‌کشی: این نمایشنامه، نقطه اوج بازاندیشی بیضایی است. او با تغییر در پایان‌بندی کلاسیک سهراب و رستم، به واکاوی «فاجعه» می‌پردازد. در این اثر، شعر فردوسی تبدیل به پرسشی فلسفی درباره‌ی «پدرکشی/پسرکشی» در فرهنگ ایرانی می‌شود.

دیباچه نوین شاهنامه: در این اثر، بیضایی مستقیماً به سراغ خود متن و شخصیت فردوسی می‌رود. او می‌کوشد «درام خلق حماسه» را به تصویر بکشد. اینکه چگونه یک شاعر در میانه‌ی هجوم بیگانگان و فراموشی تاریخ، با سلاح «واژه» ایستادگی می‌کند.

۴. نتیجه‌گیری: بیضایی؛ شاعرِ صحنه

تأثیر شعر بر بیضایی، تنها در اقتباس قصه نیست؛ بلکه در «لحن» (Tone) آثار اوست. بیضایی از شعر، «ایجاز» را آموخت. در آثار او هر جمله، هر سکوت و هر حرکت، وزنی دارد. او تأثیر ایران را از پبله‌ی «نمایش‌نامه‌نویسی ترجمه‌ای» رها کرد و به آن هویت «شعر دیداری» بخشید. بیضایی به ما آموخت که اگر تأثیر ملی داریم، ریشه‌اش در پیوند میان «تراژدی یونانی» و «حماسه‌ی فردوسی» است که هر دو در جان او نهادینه شده بودند.

گندم بیاتی



مصاحبه با دانشجویان



عرفان توکلی

درباره‌ی تجربه دانشجویی

۱. مهم‌ترین چالشی که در مسیر تحصیل هنر در دانشگاه با آن مواجه شده‌اید چیست؟
در بحث چالش تمرین برای اجرای نمایشنامه خوانی بود که تا به حال تجربه ای در این زمینه نداشتم.

۲. دانشگاه هنر برای شما چه فرصت‌هایی ایجاد کرده که بیرون از دانشگاه کمتر یافت می‌شود؟
استفاده از پلاتو برای تمرین نمایشنامه خوانی بود که دانشگاه همکاری داشتن و در تایم های خالی پلاتو اون محیط رو بدون دریافت هزینه ای در اختیار ما گذاشتند.

۳. کدام لحظه دوران دانشجویی‌تان در دانشگاه هنر برایتان ماندگار شده است؟
کلاس های تربیت حس استاد اسنقی که باشور و علاقه و تمرکز بالا مشغول تمرین بودیم و کلاس های استاد قربانی که مبانی بازیگری رو به صورت جدی و حرفه ای و با حساسیت بالا به ما تعلیم دادند.

درباره رشته و تخصص هنری

۴. چه چیزی شما را به سمت رشته فعلی‌تان جذب کرد؟
از دوران دبیرستان که در مدرسه تئاتر کار کرده بودم و از بچگی تا همین الان که تئاتر مذهبی (شبیه خوانی) کار میکنم. شرکت در پروژه های مختلف سینمایی که به واسطه پسر عمه ام بوده و سکانس هایی بازی داشتم ، به مرور زمان علاقه و استعداد خودم را در سینما کشف کردم.

۵. به نظر شما مهم‌ترین مهارتی که یک هنرجو باید قبل از ورود به بازار کار داشته باشد چیست؟
اول از همه یک اطلاعات کامل و جامع با تحقیقات درست از اون حرفه پیدا کنه و علاقه و پشتکار و مستعد بودن فرد هم شرط موفقیت هر حرفه ای هستش.

۶. کدام درس یا واحد درسی بیشترین تأثیر را در مسیر رشدتان داشته است؟

تربیت حس : استاد سیروس اسنقی

مبانی بازیگری: استاد مجید قربانی

۷. به عنوان یک دانشجوی هنر، الهام اصلی شما در خلق آثار چیست؟

خلق و تولید آثار هنری و تاریخی بیشتر که این تمدن و اصالت دیرینه ما ایرانیان همچنان پا برجا بماند .

درباره دانشگاه و فضای هنری

۸. فضای دانشگاه هنر را از نظر خلاقیت و تولید اثر چگونه ارزیابی می کنید؟

برای ساخت فیلم کوتاه دانشجویی در شهرک سینمایی دفاع مقدس از طریق دانشگاه اقدام کردم متأسفانه همکاری های لازم رو به عمل نیاوردند .

۹. نقش اساتید در شکل گیری مسیر هنری شما چقدر پررنگ بوده است؟

بسیار تاثیر گذار بوده حتی میتونم بگم به صورت معجزه آسا بوده ، اساتید : استاد اسنقی و استاد قربانی

۱۰. دانشگاه تا چه اندازه از ایده ها و پروژه های دانشجویی حمایت می کند؟

برای نمایشنامه خوانی همکاری های لازم جهت پلاتو گرفتن دانشگاه داشتن ولی برای ساخت فیلم کوتاه اقدام کردم که متأسفانه همکاری های لازم رو دانشگاه نداشتند.

۱۱. چه پیشنهادهایی برای ارتقای کیفیت فعالیت های هنری و اجرایی در دانشگاه دارید؟

بنظر بنده بازیگری جزو معدود رشته هایی هستش که فقط حضوری میشه تعلیم گرفت و خودمونو با زدن اتودهای مختلف بسازیم ولی خب متأسفانه با توجه به شرایط کشور چند جلسه از کلاس های ما به صورت مجازی برگزار شد که بنده اصلاً چیزی متوجه نشدم و راضی نبودم و تصمیم بر این گرفتم که ترم های بعدی رو فعلاً نخونم تا شرایط و تکلیف مشخص بشه چون برای مدرک گرفتن به دانشگاه نیومدیم و هدفمون پیشرفت در این حرفه و اضافه شدن به معلومات و ساختن خودمون در این حرفه هستش.

درباره آینده و حرفه

۱۲. چشم‌انداز خود را در پنج سال آینده چگونه می‌بینید؟

خودم تو زندگیم به هرچی خواستم رسیدم حالا شاید یا زودتر بوده یا دیرتر، ولی رسیدم، در این حرفه و رشته هم سخت تلاش میکنم و در کنارش تجربه کسب میکنم تا ان شالله هر چی قسمت بشه برامون اتفاق بیفته.

۱۳. فکر می‌کنید دانشگاه هنر چقدر شما را برای ورود به دنیای حرفه‌ای آماده کرده است؟

باتوجه به ارتباط گیری با بعضی از اساتید و معرفی اساتید به خواندن کتاب های خوب و دیدن تئاتر خوب و آموزش های درست و صحیح بعضی از اساتید بی تاثیر نبوده و برای رشد و پیشرفت در این رشته تاثیر بسزایی داشته.



مصاحبه با دانشجویان

سما عزیزپور

تجربه دانشجویی من



۱. مهم‌ترین چالشی که در مسیر تحصیل هنر در دانشگاه با آن مواجه شده‌اید چیست؟
فکر می‌کنم در رشته بازیگری، درس‌های دانشگاه یا سواد آکادمیک خیلی مهمه، اما به‌تنهایی کافی نیست! چیزی که بیشتر به رشد یک بازیگر کمک می‌کنه، تمرین، حضور در کارگاه‌های عملی و تجربه اجراست. به نظرم اگر دانشگاه فرصت‌های بیشتری برای این بخش فراهم کنه، دانشجویها آمادگی بیشتری برای ورود به بازار کار پیدا میکنند..
۲. دانشگاه هنر برای شما چه فرصت‌هایی ایجاد کرده که بیرون از دانشگاه کمتر یافت می‌شود؟
مهم‌ترین فرصت برای من آشنایی با افراد هم‌فکر بوده ... اساتید باسواد و حرفه‌ایی که آدم را به کار کردن و یاد گرفتن تشویق کردند.
۳. کدام لحظه دوران دانشجویی‌تان در دانشگاه هنر برایتان ماندگار شده است؟
اولین تجربه من در نمایشنامه خوانی، ماندگارترین تجربه در دانشگاه بوده
۴. چه چیزی شما را به سمت رشته فعلی‌تان جذب کرد؟
از قبل به بازیگری علاقه داشتم و همیشه دوست داشتم در این زمینه به‌صورت جدی آموزش ببینم و فعالیت کنم
۵. به‌نظر شما مهم‌ترین مهارتی که یک هنرجو باید قبل از ورود به بازار کار داشته باشد چیست؟
پشتکار و صبر... در هنر موفقیت یک‌شبه به دست نمی‌آد
۶. کدام درس یا واحد درسی بیشترین تأثیر را در مسیر رشدتان داشته است؟
کلاس‌های تمرین بیان-کارگاه اجرای نمایشنامه خوانی-کارگاه بازی در نمایش‌های واقعی

۷. به عنوان یک دانشجوی هنر، الهام اصلی شما در خلق آثار چیست؟

آدم‌ها و تجربه‌هایی که در اطرافم می‌بینم

۸. فضای دانشگاه هنر را از نظر خلاقیت و تولید اثر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من فضای دانشگاه می‌تونه بیش از این با روحیه و حال و هوای هنر هماهنگ باشد، اما شاید چیزی که این کمبود رو جبران کرد، حضور بعضی از اساتید خوب و دانشجویان مستعد و خلاق هست که باعث می‌شوند فضای یادگیری و تعامل هنری شکل بگیرد.

۹. نقش اساتید در شکل‌گیری مسیر هنری شما چقدر پررنگ بوده است؟

خیلی زیاد. تجربه و راهنمایی اساتید کمک می‌کنه مسیر را بهتر بشناسیم و اشتباهات کمتری داشته باشیم

۱۰. دانشگاه تا چه اندازه از ایده‌ها و پروژه‌های دانشجویی حمایت می‌کند؟

صادقانه بگم از این مورد راضی نیستم

قطعاً اگر امکانات و فرصت‌هایی در اختیار دانشجویها قرار می‌گرفت، نتیجه خیلی خوبی داشت

۱۱. چه پیشنهادهایی برای ارتقای کیفیت فعالیت‌های هنری و اجرایی در دانشگاه دارید؟

برگزاری کارگاه‌های بیشتر با حضور هنرمندان فعال و ایجاد فرصت‌های اجرایی بیشتر برای دانشجویان..

۱۲. چشم‌انداز خود را در پنج سال آینده چگونه می‌بینید؟

دوست دارم در حوزه بازیگری به شکل حرفه‌ای فعالیت کنم و تجربه‌های بیشتری در تئاتر به دست بیاورم.

۱۳. فکر می‌کنید دانشگاه هنر چقدر شما را برای ورود به دنیای حرفه‌ای آماده کرده است؟

قطعاً دانشگاه تا حدی پایه‌های خوبی رو در اختیارمون قرار داده ، اما بخش زیادی از مسیر حرفه‌ای به تلاش و پیگیری خودمون بستگی داره.

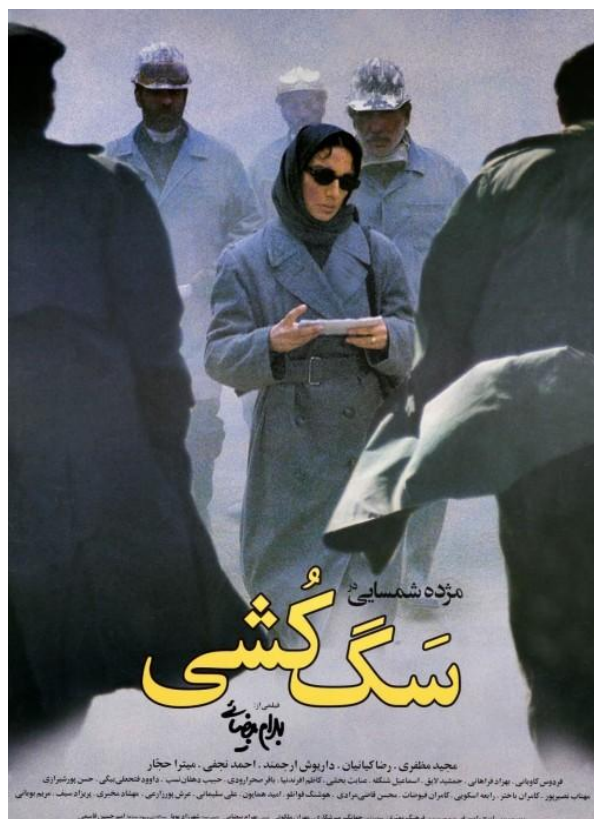
معرفی فیلم

سگ کشی

نویسنده و کارگردان: بهرام بیضایی

بازیگران:

مژده شمسایی - مجید مظفری - میترا حجار - رضا کیانیان -
 داریوش ارجمند - احمد نجفی - حسن پورشیرازی - فردوس
 کاویانی - حبیب دهقان نسب - بهزاد فراهانی - عنایت بخشی -
 کاظم افرندنیا - کامران باختر - رابعه اسکویی - اسماعیل سنگله



خلاصه داستان:

گلرخ کمالی پس از یک سال دوری به تهران برمی گردد تا نزد همسرش، ناصر معاصر باشد ولی متوجه می شود که شریک او جواد مقدم به ناصر کلک زده و با هفتصد میلیون تومان گریخته است و قرار است به خاطر چک ها، ناصر زندانی شود. گلرخ به جبران یک سال دوری از همسرش با طلبکاران تماس می گیرد و سعی در جلب رضایت آن ها دارد. که در این مسیر دچار مشکلاتی می شود که...

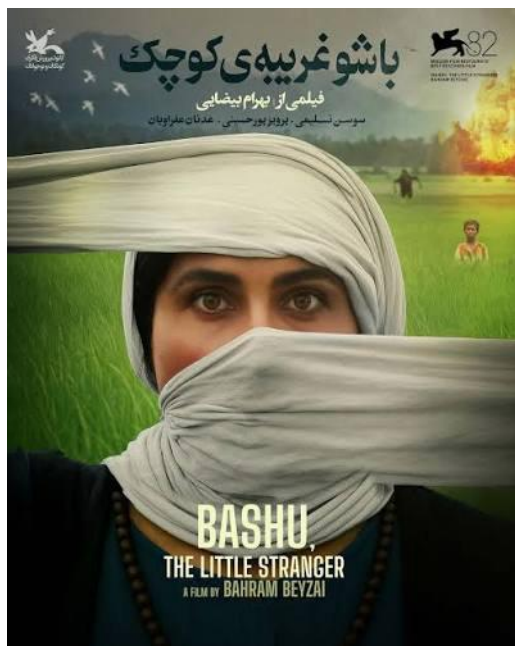
معرفی فیلم

باشو غریبه کوچک

نویسنده و کارگردان: بهرام بیضایی

بازیگران:

سوسن تسلیمی - عدنان عفراویان - پرویز پورحسینی - اعظم رهبر - محمد فراخواه - معزز بنی دخت - نعمت یمینی - خدیجه نجات - اکبر دودکار - فرخ‌لقا هوشمند - رضا هوشمند - ذبیح الله سلمانی - گلشن انوشه - لیلا سبحانی - محترم خوشرو - گلشن کلانتری



خلاصه داستان:

در یکی از بمباران‌های جنوب کشور در جریان جنگ ایران و عراق، پسری به نام «باشو» خود را به کامیونی در حال کوچ می‌اندازد و در آن خوابش می‌برد و زمانی که چشم می‌گشاید، کامیون به شمال کشور رسیده است. او می‌گریزد و در آن سوی جنگل، به مزرعه زنی به نام «نایی جان» می‌رسد که با دو فرزندش و در غیاب شوهری که برای کسب درآمد به سفر رفته، زندگی و کار می‌کنند. نایی جان به باشو نان و آب می‌دهد و می‌کوشد بداند کیست و زبان او را بفهمد. اما زبان پسرک جنوبی برای او قابل فهم نیست؛ همچنان که باشو هم نمی‌تواند زبان محلی او را دریابد. باشو در عوض محبت‌های نایی جان می‌کوشد به او در کارها کمک کند و تصور می‌کند این خواست شوی در سفر نایی جان هم هست؛ غافل از آن که شوهر نایی جان با حضور او که غریبه‌ای بیش نیست، در خانه‌شان مخالف است. باشو با کشف این موضوع، از خانه می‌رود ولی نایی جان او را زیر باران می‌یابد و با کتک باز می‌آورد. کمی بعد، نایی جان بیمار می‌شود و باشو به جای او، خانه را می‌گرداند و چون از بهبود نایی جان نگران است، برای او به شیوه جنوبی خودش، تشت می‌زند. نایی جان در نامه‌ای به شوهرش می‌گوید باشو را به جای پسر پذیرفته و نان او را از غذای خود خواهد داد. روزی سرانجام شوهر باز می‌گردد و باشو با او روبرو می‌شود. پدر که دست راستش را در سفر از دست داده، می‌پذیرد که باشو به جای دست او باشد و همه خانواده یک صدا می‌روند که جانوران مزاحم محصول را برانند.

معرفی تئاتر

یک فیل ناپدید شده است

نویسنده: شهروز آقائی پور

کارگردان: ناصر آویژه

بازیگران:

شهروز آقائی پور - شاهین گل کار - الهه شه پرست - خیام (جواد)

حسینی - پرویز گوهری راد - علی یعقوب زاده - علی حسینی

با صدای: رضا بابک

خواننده تیتراژ و تیزر: علیرضا ناصحی

گوینده تیزر: رضا فیاضی

خلاصه:

تنها فیل تنها باغ وحش شهر ماینا ناپدید شده است...



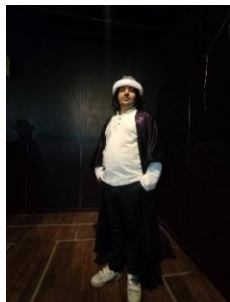
داستانک



قدم هایش آهسته از آن بود که نشود سایه رقصان او را در میان لامپ‌های روشن خیابان لاله زار و ندید انگار سایه ها در حال نمایشی شگرف بودند پیرمرد یاد کودکی اش افتاد زمانی که همراه با عمویش در تماشاخانه های لاله زار در خیالات فرو می رفت و همین خیالات او را آلوده تئاتر کرد و شد یکی از بازیگر های لاله زار. هر تماشاخانه ای که چراغش خاموش می شد روزنه ای در دل او بسته می شد لاله زار پر نور در قلب پیرمرد به تاریکی رسید.

ذهن پیرمرد انقدر مشغول بود که متوجه نشد کی به تئاتر شهر این ساختمان استوانه ای خیال انگیز رسید اما می دانست این حصار ها آن را به زندانی ابد بدل کرده.

پیرمرد کنار دستفروشی که لباس می فروخت ایستاد سیگاری آتش زد و به دود آن که انگار در حال ایفای نقشی بدیل بود خیره شد آن دود خود پیرمرد بود در میان صحنه‌ای خیالی



افشین رشیدی

هنردرمانی و تروما: وقتی بدن خاطره دارد



مقدمه

تروما یا تجربه آسیب‌زا، صرفاً یک رویداد ذهنی نیست؛ بلکه تجربه‌ای است که می‌تواند در سطح بدن، هیجان و حافظه ضمنی نیز باقی بماند. بسیاری از افراد پس از تجربه تروما، نمی‌توانند آن را به‌طور کامل و منسجم در قالب کلمات بیان کنند، زیرا بخشی از این تجربه در ناحیه‌ای فراتر از زبان ذخیره می‌شود. به همین دلیل، تلاش برای بازگویی مستقیم و زود هنگام تروما ممکن است برای فرد بسیار دشوار یا حتی بازآسیب‌زا باشد.

در این میان، هنردرمانی به‌عنوان رویکردی خلاقانه و ایمن، امکان مواجهه تدریجی با تجربه‌های آسیب‌زا را فراهم می‌کند. این روش به فرد کمک می‌کند تا بدون فشار برای بیان کلامی، احساسات، تصاویر بدنی و خاطرات پنهان را از طریق هنر آشکار کند.

تروما و حافظه بدنی

یکی از ویژگی‌های مهم تروما این است که فقط در ذهن باقی نمی‌ماند، بلکه در بدن نیز ردپا می‌گذارد. بسیاری از افراد پس از تجربه‌های آسیب‌زا، نشانه‌هایی مانند تنش عضلانی، تپش قلب، بی‌حسی، اضطراب، یا واکنش‌های ناگهانی بدنی را تجربه می‌کنند. این واکنش‌ها نشان می‌دهند که بدن هنوز در حال پردازش تجربه گذشته است.

از این منظر، خاطره تروما ممکن است به‌صورت تصویر، حس، صدا، حرکت یا حتی یک واکنش فیزیولوژیک ظاهر شود؛ نه لزوماً به شکل یک روایت منسجم و روشن. هنردرمانی دقیقاً با همین لایه‌های غیرکلامی کار می‌کند و به فرد اجازه می‌دهد تا به‌جای مواجهه مستقیم و سنگین با خاطره، از مسیر خلاقیت به آن نزدیک شود.

هنر و پردازش تروما

خلق اثر هنری می‌تواند راهی امن برای بیرون‌ریزی و سازمان‌دهی تجربه‌های آسیب‌زا باشد. در هنردرمانی، هدف زیبایی‌شناسی یا مهارت هنری نیست؛ بلکه هدف، بیان و پردازش هیجان‌ها، احساسات و تجربه‌هایی است که شاید هنوز برای بیان کلامی آماده نباشند.

فعالیت‌هایی مانند:

نقاشی و طراحی

مجسمه‌سازی با گل یا مواد ساده

نوشتن خلاق

موسیقی و ریتم

حرکت و رقص درمانی

ایفای نقش و نمایش

می‌توانند به فرد کمک کنند تا با تروما به‌صورت تدریجی و در فضایی کنترل‌شده روبه‌رو شود. این فرایند معمولاً موجب کاهش اضطراب، افزایش حس کنترل، تقویت آگاهی بدنی و ایجاد فاصله روانی ایمن از تجربه آسیب‌زا می‌شود.

یکی از مزیت‌های مهم هنردرمانی این است که به فرد اجازه می‌دهد «خارج از خود» به تجربه نگاه کند. یعنی به‌جای آنکه فرد مستقیماً درون خاطره غرق شود، می‌تواند آن را روی کاغذ، در حرکت، یا در یک اثر هنری بازنمایی کند. همین فاصله ایمن، امکان مشاهده، معنا دادن و بازپردازش تجربه را فراهم می‌کند.

چرا هنردرمانی برای تروما مؤثر است؟

هنردرمانی برای تروما مؤثر است، چون:

غیرمستقیم و ایمن است: فرد مجبور نیست فوراً درباره دردناک‌ترین بخش تجربه صحبت کند.

بدن‌محور است: احساسات و تنش‌های جسمی را نیز وارد فرایند درمان می‌کند.

کنترل را به فرد برمی‌گرداند: فرد می‌تواند سرعت، شکل و میزان بیان را خودش تنظیم کند.

به هیجان‌ها شکل می‌دهد: احساسات مبهم و سنگین، در قالب تصویر یا حرکت قابل فهم‌تر می‌شوند.

به یکپارچگی روانی کمک می‌کند: تجربه پراکنده و شکسته تروما، به تدریج سازمان می‌یابد.

مثال کاربردی

فرض کنید فردی تجربه یک حادثه شدید را پشت سر گذاشته است و هنوز از صحبت مستقیم درباره آن ناتوان است. در جلسه هنردرمانی، از او خواسته می‌شود تصویری از «حسی که در بدنش از آن حادثه باقی مانده» ترسیم کند. او شاید در ابتدا فقط خطوط تند، رنگ‌های تیره یا شکل‌های نامنظم بکشد. اما همین تصویر می‌تواند نقطه شروعی برای شناخت احساسات پنهان، مثل ترس، خشم، بی‌پناهی یا انجماد باشد.

در ادامه، درمانگر ممکن است از فرد بخواهد برای این تصویر عنوانی انتخاب کند یا بخشی تازه به آن اضافه کند؛ مثلاً چیزی که نشان‌دهنده امنیت، حمایت یا رهایی باشد. این کار کمک می‌کند تا تجربه آسیب‌زا به جای آنکه فقط در بدن بماند، به تدریج معنا پیدا کند و ساختار روانی تازه‌ای حول آن شکل بگیرد.

جمع‌بندی

هنردرمانی به بدن و روان فرصت می‌دهد تا خاطرات نهفته و تجربه‌های آسیب‌زا را به شیوه‌ای ایمن، خلاقانه و تدریجی بیان کنند. این رویکرد، به‌ویژه برای افرادی که از تروما رنج می‌برند، می‌تواند پلی میان سکوت بدن و زبان ذهن بسازد. در واقع، هنردرمانی نه تنها ابزار بیان است، بلکه راهی برای بازسازی حس امنیت، کنترل و انسجام درونی نیز هست.

سؤال: آیا بدن شما خاطره‌ای را به یاد دارد که ذهن آن را فراموش کرده باشد؟

تمرین: چند نفس عمیق بکشید و برای یک دقیقه به واکنش‌های بدنتان توجه کنید. سپس بدون قضاوت، هر حس، تنش یا تصویری را که به ذهنتان می‌آید، روی کاغذ یا در چند خط کوتاه بنویسید یا ترسیم کنید.



رهام امین

وداع با عالیجناب

چشم هایم که کم رو به جهان هنر باز شد، بعد از آنکه عاشق تاتر و سینما شدم در عالم خردسالی و بعد نوجوانی ، عاشق چند اسم شدم و به عشق این اسم ها با خود گفتم میخوامم بازیگر شومبعد تر فهمیدم که صاحبان آن اسم ها دیگه روی زمین نیستند ، از خدا خواستم تا می شود فرصت زیست و آموختن از ۳ مرد بزرگ تاریخ هنر این سرزمین که ما نعمت داشتن شان را داریم به من بدهد عالیجناب بهرام بیضایی نام بعدی بود !نامی که دیگر نمیتوانم در این جهان با او دیدار کنم !نامی که عاشق ایران بود نامی یکی از ستون های اصلی هنر و تاریخ این سرزمین بود ! نگران ایران بود او را اما محروم کردند ! او هنری ناب و خالص را بدون غرض ورزی تولید می کرد! عده ی کثیری را با شاهنامه آشنا کرد در حرف ها و اثر هایش نسل هایی را شیفته ی فردوسی و اساطیر این آب و خاک کرد او تاریخ نمایش در شرقی گردآوری کرد که طلا در دست ما دانشجویان تأثر است مرگ یزدگردی نوشت و ساخت که تا سالها و همین لحظه هم کار می کند! و میتوان تاریخ را در تار پود آن جست جو کردیا "فیلمنامه " روز واقعه که با خواندنش می توان حسین ابن علی و حقیقتش را شناخت میتوان ساعت ها از کار هایی که او برای تاریخ ، هنر و نام این سرزمین کرد حرف زد ! برای همین اصالت و آزادی در آثارش او را از بودن کار کردن در این دیار محروم ساختند و ما را ، همچنین ما را از دیدن آثار او و آموختن و شاگردی کردن برای او !

گفت فقط ایرانی بودن کافی نیست ، مهم است اما بار بزرگیست بر دوش ما ! که ما چگونه آن را بازسازی کنیم و پیش ببریمما با آنچه می سازیم ایرانی هستیم ، نه با آنچه از دست میدهیم گفت من هزار سال بعد از مرگم هم فکر نمیکنم از ما گذشته ! اصلا یعنی چه چرا تا هستیم از ما گذشته در افرا گفت دو برابر "مرگم" مرده ام و نصف "زندگی" ام ، زندگی نکرده ام

در سیاوش خوانی گفت : ما همه جوان میمیریم !

اما باز گفت بله ، حتما امیدی هست ، متأسفانه! اصلا چون این امید هست آدم فکر میکنه که چرا نه ! او در طومار شیخ زرین گفت: بدانند که مردمان همه یکسانند، و از تقلب روزگار است که برخی صدر می نشینند و برخی ذیل ! او بدان که دنیا به دست اوباش است و نیکان به گناه لیاقت می میرند.ترا خدا به دنیا می آورد ولی کرنش به اوباش زنده نگه می دارد!و گفت : برای هرچه رایگانی بود ، بهایی گزاف از وجود خود پرداختم بانگ خرد زدم ، دندانم شکستند فریاد عشق براوردم ، چشمم کردند گوشه امنی جستم ، به غربتم رانند و حالا فقط نانی می جویم!

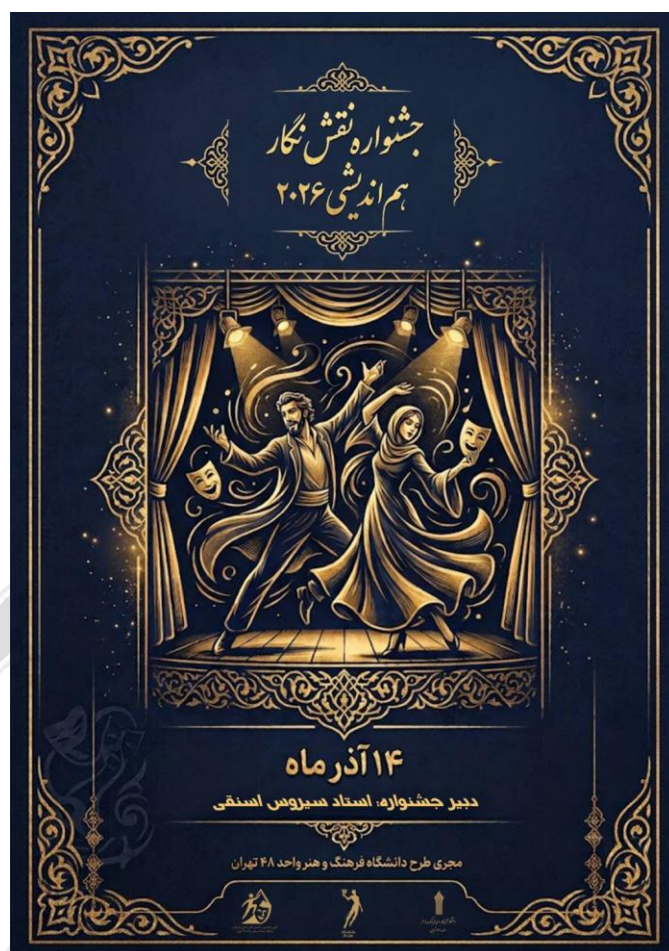
دریغا که او انگار این چند خط را از دهان تمام ما گفت است
در سهراب کشی گفت: این خون را خاموشی تو ریخت نه دشنه او روزی همه ما هیچ میشویم پس تا هستیم
کسی باشیم به گرفتن دستی ، به ستردن اشکی و زدودن خونی!
در مرگ یزدگرد گفت : پند نامه بفرست ای موبد ، اما اندکی نان به آن بیافزای و نیز گفت : در چنین آسیاب
ویرانه ای از پدر پدرانم به من به ارث رسیده چه چیزی جز خواب آشفته میتوان دید!
گفت به یمن وجود من و دیگر فیلمسازان است که پشت آن میز می‌نشینید و با ما مثل برده و گوش به فرمان
رفتار می‌کنید من دستم را می‌شکنم و اجازه نمی‌دهم مرا سانسورچی خودم کنید! نفرین به تن و روان آن
پتیارگان و نا اهلانی که این درد هارا به جان ما انداخت!
کالبد شما از این جهان رفت ؛ اما اندیشه هایتان ، قلمتان ، شرافت و هنرتان در جان و فکر ما تا ابد زنده است
شما جاودانید آقا برعکس آن ها که به قول خودتان از آنها قرن های قرن است گذشته و به این فروتنی و
خاکساری یک طرفه ما هر روز پروراترند! در این جهان نشد چشمم به دیدارتان مسرور شود شاید در جهانی
دیگر...
تاریده باد تیرگی تیره گون تاریکی از تاریخانه ی تن. از تیرگی آزاد شود نور ، بی دود باشد آتش ، بی خاموشی
باشد روشنی تاریده باد تیرگی تیره گون تاریکی از تاریخانه ی تن...
بدرود فخر هنر ایران زمین
در یک غمنامه بزرگ ، هنر پیشه نقش دوم هرگز نمی‌میرد!

۵ دی ماه ۰۴ روز غم آلود هنر ایران

سید علی سرکشیکیان طباطبایی



فراخوان



بخش های جشنواره:

۱. آثار آنتوان چخوف

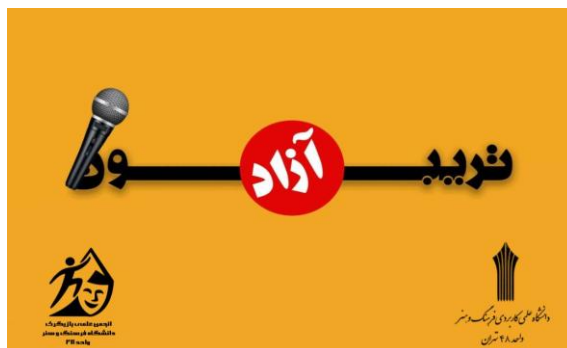
۲. بخش آزاد (آثاری با هر رویکرد و سبک نمایشی)

۳. بخش نمایشنامه خوانی

۴. بخش پژوهشی و رقابتی مقاله نویسی در خصوص چخوف شناسی

سه اثر برگزیده جشنواره نمایشنامه خوانی آثار جاودانه استاد بهرام بیضایی میتوانند بدون بازبینی در این بخش حضور یابند.

اطلاعیه



به اطلاع دانشجویان عزیز و اساتید گرامی رشته بازیگری دانشگاه علمی کاربردی فرهنگ و هنر واحد ۴۸ تهران می‌رسد:

کانون تخصصی و انجمن علمی هنری بازیگری، در راستای تقویت روحیه گفتگو، نقد سازنده و مشارکت جمعی، «تربون آزاد» را راهاندازی می‌کند.

این تربون، فضایی است برای:

بیان دغدغه‌ها، ایده‌ها و پیشنهادهای دانشجویان و اساتید در حوزه آموزش، تمرین و اجرا

طرح دیدگاه‌ها درباره مسائل صنفی، آموزشی و هنری مرتبط با بازیگری

اشتراک تجربه‌ها، دستاوردها و فعالیت‌های دانشجویی در محیط دانشگاه و خارج از آن و مسائل روز جامعه

هدف ما ایجاد بستری امن، محترمانه و پویا برای شنیدن صدای دانشجویان و اساتید، تقویت همدلی و همفکری، و کمک به ارتقای کیفیت فعالیت‌های آموزشی و هنری در کانون و انجمن است.

دیدگاه‌های شما عزیزان در بولتن‌های کانون تخصصی و انجمن علمی هنری بازیگری به چاپ خواهد رسید.

دانشجویان عزیز و اساتید محترم علاقه‌مند می‌توانند برای شرکت در نشست‌های «تربون آزاد» و یا ارسال موضوعات پیشنهادی خود، با آیدی زیر پیام رسان بله در ارتباط باشند.

@Ro_Amin

صدای شما، سرمایه اصلی ماست.

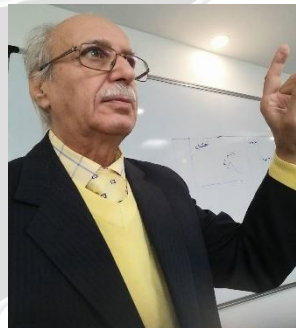
منتظر حضور و همراهی فعال شما هستیم.

تشکر ویژه از ریاست محترم دانشگاه فرهنگ و هنر واحد ۴۸

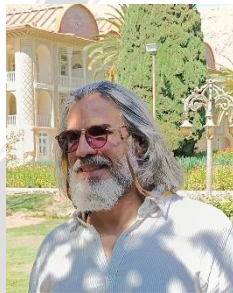
جناب آقای دکتر حسینی



و استاد قریشی بزرگوار



با راهنمایی استاد گرانقدر سیروس اسنقی



به همت

رهام امین



گندم بیاتی



درد بر کسانی که چراغ دلشان، روشنی بخش دل‌های تاریک ما شد

در این مسیر سخت و دل‌انگیز که گاه در آن دویدم و زمین خوردم و گاه قدم‌زنان لذت بردم؛ از دروازه‌های دارنامه گذشتم،
دستی به غبارِ آن کشیدم و عاشقانی دل‌خسته دیدم، همگی مست

بندار بیدخش را زندگی کردم؛ با دستانِ او روئین‌دژ را ساختم و با نگاهش آن را ستودم و همگی شما را در آن جام، به
تماشا نشستیم

در سراسیمه‌ی البرزِ زیبا، همگام با آرش آه کشیدم و در نبردی نابرابر، دوست و دشمن را با خود بیگانه دیدم؛ اما به پرتابِ
تیرم، بیش از پیش دل بستم

صندوق‌های تاریک و در بسته‌ی خفقان‌آور، به یادم آورد که رها نیستم؛ و رهایی را، نه برای خود که برای همگان آرزو کردم

در زمزمه‌های اژدهاک، اندوه پنهانش را به جان خریدم و از دستانِ سیاه خویش بیمناک شدم

یزدگرد سرگردان! کاش پیش از شکستن و گریختن، می‌ماندی، می‌جنگیدی و از نو می‌ساختی

در پیچ‌وخمِ این راه‌ها هرگز نترسیدیم، چرا که مسیرمان روشن بود. بر سرِ هر پیچ، استادی دلسوز، روشنی‌ای راهِ ما بود؛
ستارگانی چون

استادم بانو شمسی‌نازنین، استاد فیاضی بزرگوار، استاد یعقوب‌زاده گرامی، استاد بزرگوار خلیلیان، جناب استاد آزاد،
جناب استاد قربانی و
بخصوص جناب استاد اسنقی بزرگوار

و استاد دل‌ها، بیضایی بزرگوار؛ که نه تنها ما را میهمان ویژه‌ی نمایشنامه‌هایشان کردند، که مجالی برای شناختِ بیشترِ ما
از بزرگانمان فراهم آوردند. روانشان شاد

گندم بیاتی



کانون تخصصی و انجمن علمی هنری بازیگری
دانشگاه فرهنگ و هنر واحد ۴۸ تهران

تهیه شده در کانون تخصصی و انجمن
علمی هنری بازیگری
دانشگاه فرهنگ و هنر واحد ۴۸ تهران
مرداد ۱۴۰۵



دانشگاه ملی کاربردی فرهنگ و هنر
واحد ۴۸ تهران